

کتاب امثال سلیمان

مقدمه

کتاب امثال سلیمان گلچینی از تعلیم و تربیت اخلاقی و دینی حکیمانه است که به شکل جملات کوتاه و موزون در لفافه مثل بیان شده است. بیشترین این امثال به سلیمان، پادشاه خردمند و حکیم، نسبت داده می‌شود. مقصد اصلی کتاب امثال در آغاز در آیات دو و سه فصل اول بیان شده است: «این گفتار حکیمانه به شما کمک می‌کند تا حکمت و نصیحت خوب را تشخیص دهید و گفتار عاقلانه را بفهمید. به شما یاد می‌دهد که چطور عاقلانه و با عدالت و انصاف و امانت زندگی کنید.»

تعلیمات این کتاب نه تنها به مسائل اخلاقی و دینی ارتباط دارد، بلکه به انسان می‌آموزد که دارای عقل سلیم و آداب و روش زندگی مردم‌پسند باشد. جملات کوتاه این امثال بیانگر خرد و بینش معلمین قدیم اسرائیلی‌اند که یک شخص دانا و عاقل در شرایط و اوضاع خاصی چه عکس‌العملی از خود نشان دهد. برخی از این امثال با مسائل کار و وظیفه، بعضی با آداب معاشرت، رابطه انسان با فامیل و اجتماع و خویشن‌داری مربوط‌اند. این امثال بر علاوه اوصاف فروتنی، صبر، احترام به فقرا و وفاداری و صداقت به دوستان و محبان را بیان می‌کنند.

اکثر امثال حکیمانه سلیمان عملی و تطبیق آنها در زندگی روزانه بسیار سودمند است. این کتاب به خواننده بینش می‌بخشد تا خردمندانه و خداپسندانه زندگی کند.

فهرست مندرجات:

در وصف حکمت: فصل ۱ - ۹

امثال سلیمان: فصل ۱۰ - ۲۹

ارزش حکمت

۱ گفتار حکیمانه سلیمان - پسر داود، پادشاه بنی اسرائیل. ^۲ این گفتار حکیمانه به شما کمک می‌کند تا حکمت و نصیحت خوب را تشخیص بدهید و گفتار عاقلانه را بفهمید. ^۳ به شما یاد می‌دهد که چطور عاقلانه و با عدالت و انصاف و امانت زندگی کنید. ^۴ این گفتار حکیمانه به اشخاص بی تجربه حکمت می‌آموزد و جوانان را به افرادی لایق و کاردان تبدیل می‌کند. ^{۵-۶} این گفتار حکیمانه، حتی حکمت دانشمندان را زیاده‌تر کرده و افراد تحصیل کرده را راهنمایی می‌کند تا بتوانند معنی گفتار حکما و مسائل مشکل دانشمندان را درک نمایند.

نصیحت به جوانان

^۷ ترس خداوند، ابتدای حکمت است، اما مردم نادان ارزش حکمت و ادب را نمی‌دانند.

^۸ ای پسر من، نصیحت پدر خود را بشنو و تعلیمات مادرت را فراموش مکن. ^۹ تعلیمات آن‌ها مانند تاج عزت و جلال بر سر تو و گردن‌بند زیبایی و افتخار بر گردنت خواهند بود.

^{۱۰} فرزندم، وقتی گناهکاران کوشش می‌کنند تو را فریب دهند، تسلیم نشو. ^{۱۱} اگر بگویند: «بیا با هم متحد شویم تا یک نفر را بکشیم و کمین کنیم تا خون بی‌گناهان را بریزیم، ^{۱۲} بیا تا مثل قبر آن‌ها را زنده‌زنده قورت کنیم و مانند مرگ بر سر آن‌ها نازل شویم، ^{۱۳} هرگونه اموال گرانبها به دست می‌آوریم و خانه‌های خود را از اموال دزدی پُر می‌کنیم. ^{۱۴} بیا باهم همدست شویم تا هرچه بدزدیم با هم تقسیم کنیم.»

^{۱۵} فرزندم، با آن‌ها در یک راه مرو و از آن مردم دوری کن. ^{۱۶} چونکه پای آن‌ها به خاطر شرارت

می دود و برای ریختن خون شتاب می کند.^{۱۷} انداختن دام در مقابل چشمان یک پرنده کار بیهوده‌ای است.^{۱۸} اما این قبیل افراد، برای خود دام می نشانند، دامی که خودشان در آن هلاک خواهند شد.^{۱۹} دزدی، عاقبت باعث هلاکت دزد می شود. سرنوشت کسانی که با قتل و غارت زندگی می کنند، هلاکت و نابودی است.

ندای حکمت

^{۲۰} حکمت در کوچه‌ها و در جاده‌ها با آواز بلند همه را صدا می زند.^{۲۱} در دروازه شهرها و هر جایی که مردم دور هم جمع می شوند، فریاد می کند:

^{۲۲} «ای مردم نادان، تا کی می خواهید احمق باشید؟ تا به کی می خواهید از مسخره کردن دانش لذت ببرید؟ تا به کی مردم احمق از حکمت نفرت می کنند؟^{۲۳} وقتی شما را صدا می کنم گوش بدهید. پنندهای خوبی می دهم و آنچه می دانم به شما می آموزم.^{۲۴} چندین بار من شما را صدا کردم، نیامدید. دستهای خود را به طرف شما دراز کردم، پروا نکردید.^{۲۵} نصایح مرا نپذیرفتید و نخواستید که شما را اصلاح کنم.^{۲۶} پس، وقتی گرفتار شوید، به شما می خندم و هنگامی که دچار ترس و وحشت شوید، شما را مسخره می کنم.^{۲۷} وقتی ترس مثل طوفان به شما حمله کند و مصیبت مانند گردباد، دور شما را بگیرد، وقتی که به تنگدستی و پریشانی دچار شوید.^{۲۸} آن وقت مرا صدا خواهید کرد ولی جواب نخواهم داد. همه جا به دنبال من خواهید گشت، ولی مرا نخواهید یافت،^{۲۹} زیرا شما هرگز به حکمت توجه نکردید و از خداوند اطاعت نمودید.^{۳۰} هیچ وقت با من مشورت نکردید و به نصیحت‌های من توجه نمودید.^{۳۱} بنابراین، آنچه کاشته‌اید درو خواهید کرد و اعمال شما، شما را گرفتار می سازد.^{۳۲} مردم نادان که حکمت را قبول نمی کنند، نابود می شوند و بی توجهی آن‌ها، خودشان را هلاک خواهد کرد.^{۳۳} اما کسانی که به من گوش بدهند در آرامش زندگی خواهند کرد و از هیچ چیزی نخواهند ترسید.»

۲^۱ فرزند من، هر چه به تو تعلیم می‌دهم، یاد بگیر و هر هدایتی که به تو می‌دهم، هرگز فراموش مکن. ^۲ به گفتار حکیمانه گوش بده و آن‌ها را یاد بگیر. ^۳ حکمت را طلب نما و دانایی را جستجو کن. ^۴ همانطوری که برای به دست آوردن پول و پیدا کردن گنج زحمت می‌کشی، برای تحصیل حکمت هم تلاش کن. ^۵ اگر چنین کنی، معنی ترس خداوند را می‌فهمی و در شناختن خدا موفق می‌شوی. ^۶ خداوند بخشنده و دانا است و عقل و دانش از جانب او است. ^۷ او نیکوکاران را توفیق می‌بخشد و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. ^۸ او کسانی را که با دیگران با عدل و انصاف رفتار می‌کنند، محافظت می‌نماید و از کسانی که به او ایمان دارند، حمایت می‌کند.

۹ اگر به من گوش بدهی، راستی و عدالت و انصاف را خواهی شناخت و راه زندگی را خواهی یافت. ^{۱۰} شخص دانایی می‌شوی و از دانایی خود خوشحال می‌گردد. ^{۱۱} عقل و هوش تو از تو محافظت خواهد کرد، ^{۱۲} و تو را از دست مردم شریر و از دست آنهایی که می‌خواهند باسخنان خود تو را فریب بدهند، نجات خواهد داد. ^{۱۳} این مردم راه راست را ترک می‌کنند تا در تاریکی گناه زندگی نمایند. ^{۱۴} از کارهای زشت خود خوشحال‌اند و از دروغهای شرارت‌آمیز خود لذت می‌برند. ^{۱۵} این افراد بیراه‌اند و راه کج را در پیش گرفته‌اند.

۱۶ حکمت، تو را از زناکاری و سخنان فریبنده زنان بدکاره محافظت می‌کند. ^{۱۷} زنانی که به شوهران خود خیانت کرده و پیمان مقدس خود را فراموش نموده‌اند. ^{۱۸} اگر به خانه آن‌ها داخل شوی، به جاده مرگ قدم می‌گذاری. رفتن به آنجا، وارد شدن به دنیای مردگان است. ^{۱۹} کسانی که پیش چنین زنانی می‌روند، هیچ وقت باز نمی‌گردند و هرگز به راه زندگی بازگشت نمی‌کنند. ^{۲۰} بنابراین، تو باید از مردم نیکوکار پیروی کنی و راه و روش مردم عادل را انتخاب نمایی. ^{۲۱} مردم نیک و کامل، در این زمین باقی خواهند ماند. ^{۲۲} لیکن مردمان شریر نابود خواهند گردید. ریشه خیانت‌کاران از زمین کنده خواهد شد.

نصیحت به جوانان

^{۱۳} فرزندم، هر چه به تو یاد می‌دهم فراموش مکن و آنچه به تو می‌گویم به خاطر بسپار.
^۲ تعلیمات من، سلامتی و عمر طولانی به تو می‌بخشد. ^۳ هرگز رحمت و راستی را از خود دور مکن، آن‌ها را زیب گردنت نما و بر لوحهٔ سینه‌ات بنویس. ^۴ اگر چنین کنی، محبوبیت و رضامندی در نظر خدا و انسان خواهی یافت.

^۵ از دل و جان بر خداوند توکل کن و بر عقل خود تکیه مکن. ^۶ در تمام کارهایت خداوند را به خاطر داشته باش و او راه ترا راست می‌گرداند. ^۷ از عقل و حکمت خود لاف نزن، از خداوند بترس و از بدی دوری کن. ^۸ اگر چنین کنی، شفا یافته نیرو و قوت به دست می‌آوری. ^۹ خداوند را احترام نما و از دارائی خود و از اولین محصول زمین خود قسمتی را به او تقدیم کن. ^{۱۰} اگر چنین کنی انبارهایت پُر از نعمت و خمره‌هایت پُر از شیرۀ انگور خواهد شد.

^{۱۱} وقتی خداوند تو را اصلاح می‌کند، خوب توجه کن و وقتی تو را سرزنش می‌کند، دلگیر نشو.
^{۱۲} همان طوریکه هر پدر با محبت، برای اصلاح فرزند محبوب خود، او را سرزنش می‌کند، خداوند هم ترا اصلاح می‌نماید. ^{۱۳} خوشا به حال کسی که عقل و هوش می‌یابد، ^{۱۴} زیرا ارزش آن از طلا و نقره بیشتر است. ^{۱۵} حکمت از جواهرات گرانبهاتر و از هرچه آرزو کنی با ارزش‌تر است. ^{۱۶} حکمت به تو عمر طولانی و ثروت و احترام عطا می‌کند. ^{۱۷} حکمت در زندگی تو را کامیاب کرده و به راه آرامش و خوشی راهنمایی می‌کند. ^{۱۸} حکمت برای کسانی که از میوهٔ آن استفاده می‌کنند، درخت حیات است، و خوشا به حال کسی که همیشه از آن میوه می‌خورد.
^{۱۹} خداوند زمین را به حکمت خود آفرید و آسمان‌ها را با دانایی خود بنا کرد. ^{۲۰} بر اثر دانش او چشمه فوران کرد و باران از ابرها بر زمین بارید.

^{۲۱} ای پسر، عقل و قضاوت درست و عادلانهٔ خود را حفظ کن و نگذار از تو دور شوند. ^{۲۲} این دو خصلت به تو نیروی حیات می‌بخشند و زندگی ترا زینت می‌دهند. ^{۲۳} آنگاه به سلامتی راه

خود را طی می‌کنی و شکست نمی‌خوری.^{۲۴} بدون ترس می‌خوابی و تمام شب براحتی استراحت می‌کنی.^{۲۵} از بلاهای ناگهانی، که مانند طوفان بر شیران نازل می‌شود، نخواهی ترسید.^{۲۶} خداوند از تو محافظت می‌کند و نمی‌گذارد که در دام گرفتار شوی.

^{۲۷} تا می‌توانی از احسان کردن به محتاجان کوتاهی مکن.^{۲۸} اگر می‌توانی حالا به همسایه‌ات کمک کنی، به او نگو: «برو و فردا بیا.»^{۲۹} در مورد همسایه‌ات که نزدیک تو زندگی می‌کند و به تو اعتماد دارد، نیت بد نداشته باش.^{۳۰} با کسی که به تو بدی نکرده است، بی‌سبب چون و چرا مکن.^{۳۱} به مردمان ظالم حسادت نورز و از آن‌ها پیروی مکن.^{۳۲} چون خداوند از مردم ظالم متنفر است، اما با اشخاص راستکار دوستی دارد.^{۳۳} لعنت خداوند بر خانه شیران است، اما خانه عادلان را برکت می‌دهد.^{۳۴} خداوند به مردم مغرور توجهی ندارد اما فروتتان را سرفراز می‌کند.^{۳۵} خردمندان عزت و جلال به دست می‌آورند، اما نادانان رسوائی خود را بیشتر خواهند کرد.

مزایای دانش

^۱ فرزندان من، به آنچه پدرتان به شما تعلیم می‌دهد، گوش بدهید. توجه کنید تا معرفت بیابید.^۲ زیرا چیزهای خوبی به شما یاد می‌دهم، پس آن‌ها را فراموش نکنید.^۳ وقتی طفل کوچک و یگانه فرزند مادرم بودم،^۴ پدرم مرا تعلیم داده می‌گفت: «سخنان مرا با دل و جان بشنو و هدایات مرا انجام بده تا نجات یابی.»^۵ به دنبال تحصیل دانش برو و عقل و فهم پیدا کن. آنچه می‌گویم فراموش مکن و از آن سرپیچی مکن.^۶ حکمت را از دست مده تا تو را محافظت نماید. آن را دوست بدار و او نگهدار تو خواهد بود.^۷ تحصیل دانش از هر کاری برای اهمیت بیشتر دارد، پس بر علاوه چیزهایی که به دست می‌آوری، حکمت را هم بیاموز.^۸ حکمت را دوست بدار تا تو را سرفراز و محترم سازد. با شوق تمام در طلب حکمت باش تا ترا عزت و افتخار بخشد.^۹ حکمت برای تو تاج افتخار خواهد بود.»

^{۱۰} فرزند من، به آنچه می‌گویم خوب گوش کن و آنرا بجا آور تا عمر طولانی داشته باشی.

^{۱۱} حکمت را به تو آموختم و راه راست را به تو نشان دادم. ^{۱۲} پس، هنگام دویدن در میدان زندگی نخواهی لنگید، به زمین نخواهی خورد. ^{۱۳} نصایح مرا همیشه به خاطر داشته باش. آن‌ها را فراموش مکن، چونکه آن‌ها ترا به زندگی واقعی می‌رسانند. ^{۱۴} در راه مردم شیرین مرو و از معاشرت با مردمان ظالم دوری کن. ^{۱۵} کارهای آن‌ها را انجام نده، از آن‌ها دوری نما و براه دیگر برو. ^{۱۶} آن‌ها تا بدی نکنند خواب شان نمی‌برد، و تا به دیگران آزار نرسانند دل‌های شان آرام نمی‌شوند. ^{۱۷} چونکه ظلم و شرارت برای آن‌ها مثل نان و آبی است که می‌خورند و می‌نوشند.

^{۱۸} راه مردم نیکوکار مانند سپیده صبح است که هر لحظه روشنی آن زیادتر می‌شود تا روز برسد. ^{۱۹} اما راه مردم شیرین مثل شب، تاریک است. آن‌ها به زمین می‌خورند، اما نمی‌دانند بر سر چه می‌لغزند.

^{۲۰} فرزند من، به سخنان من گوش بده و به آنچه می‌گویم توجه داشته باش. ^{۲۱} آن‌ها را در قلب خود حفظ کن و هرگز از یاد مبر. ^{۲۲} کسی که آن‌ها را بفهمد از سلامتی و زندگی بهتری برخوردار خواهد شد. ^{۲۳} توجه داشته باش که احساسات و دل خود را حفظ کنی، زیرا تمام جنبه‌های زندگی ترا تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. ^{۲۴} سخنان دروغ و بیهوده را از دهان خود دور کن ^{۲۵} با جرأت و اطمینان به پیش رو نگاه کن و سرت را برنگردان. ^{۲۶} برای هر کاری که می‌کنی، بدقت نقشه بکش تا کارهایت بخوبی انجام شود. ^{۲۷} حتی یک قدم از راه راست بیرون مشو و از بدی دوری نما.

هشدار در مورد زنا

^۱ فرزند من، به حکمت من توجه داشته باش و پند و نصیحت مرا گوش کن. ^۲ آنگاه خواهی دانست که چگونه درست رفتار کنی و سخنان تو نشان خواهند داد که عاقل و دانا هستی. ^۳ لب‌های زن شوهردار شاید از عسل شیرین‌تر و بوسه‌هایش از ابریشم ملایم‌تر باشد، ^۴ اما در پایان کار غیر

از تلخی و درد و رنج چیزی برایت باقی نمی‌گذارد.^۵ چنین زنی، انسان را به طرف مرگ می‌کشاند و در قعر جهنم می‌اندازد.^۶ هرگز در راه راست قدم نمی‌گذارد، بلکه آواره و سرگردان است و خودش این را نمی‌داند.

^۷ پس ای فرزندان من، به من گوش بدهید و آنچه را که می‌گویم هرگز فراموش نکنید.^۸ به این قبیل زنان نزدیک نشوید و حتی نزدیک خانه آن‌ها هم نروید.^۹ مبدا آبروی خود را از دست داده و در جوانی به دست ظالمان هلاک شوید.^{۱۰} مبدا اموال شما نصیب بیگانگان شده و نتیجه یک عمر زحمت تان به هدر رود.^{۱۱} مبدا گوشت و استخوانهای تان فاسد شوند و در آخر عمر به حال خود گریه کنید^{۱۲} که چرا به پند و نصیحت دیگران گوش ندادیم و نخواستیم عبرت بگیریم.^{۱۳} به سخنان معلمین خود گوش ندادیم و به آن‌ها توجه نکردیم.^{۱۴} ناگهان متوجه شدیم که در پیش مردم رسوا شده‌ایم.

^{۱۵} تنها به زن خودت عشق بورز و به او وفادار باش و فقط او را دوست بدار.^{۱۶} تا او هم به تو وفادار بماند و بدنبال مردهای دیگر نرود.^{۱۷} او فقط زن تو باشد و نباید با مردهای دیگر رابطه داشته باشد.^{۱۸} بنابراین، از زن خود که در جوانی با او ازدواج کرده‌ای، لذت ببر.^{۱۹} بگذار او مانند آهوی زیبا و خوش اندام، تو را با عشق و خوشی در آغوش بکشد.^{۲۰} ای پسر، چرا باید عشق خود را به زن دیگری ابراز کنی و چشمانت دنبال زنان شوهردار باشد؟^{۲۱} هر جا بروی و هر کاری که انجام دهی، خداوند می‌بیند.^{۲۲} گناهان مرد شیریر مانند دامی است که خودش در آن گرفتار می‌شود.^{۲۳} چون به ندای حقیقت گوش نمی‌دهد، هلاک می‌گردد و نادانی او، او را به گور می‌فرستد.

هشدارهای بیشتر

^۶ فرزندم، اگر از کسی ضمانت کنی و پرداخت قرض او را تعهد نمایی، در حالیکه او را نمی‌شناسی،^۲ خود را واقعاً به زحمت انداخته‌ای. ممکن است با این کار برای خود دامی درست

کرده باشی.^۳ پس عجله کن هر چه زودتر بدون خجالت خود را از این دام رها ساز، فوراً نزد او برو خواهش کن و ضمانت خود را پس بگیر.^۴ تا این کار را نکرده‌ای خواب و حتی لحظه‌ای آرام ننشین.^۵ خود را مثل آهو از دست شکارچی و مثل پرنده از دام صیاد آزاد کن.

مردم تبیل بروند و از زندگی مورچه‌ها عبرت بگیرند.^۷ آن‌ها نه رهبر دارند و نه کارفرما.^۸ اما آذوقه زمستان خود را هنگام تابستان ذخیره می‌کنند.^۹ مرد تبیل تا کی می‌خوابد و چه وقت از خواب بیدار خواهد شد؟^{۱۰} او می‌گوید: «یک لحظه دیگر می‌خوابم و کمی استراحت می‌کنم!»^{۱۱} اما وقتی که خواب است، فقر و هلاکت، مانند راهزن بر او حمله می‌کند.

مردمان پست و بی‌ارزش همیشه و همه جا دروغ می‌گویند.^{۱۳} با اشاره حرف می‌زنند و حرکات و اشاراتی می‌کنند که تو را فریب بدهند.^{۱۴} همیشه فکر شان پُر از نقشه‌های پلید و زشت است تا در دسر ایجاد کنند.^{۱۵} بهمین دلیل، بلا و مصیبت ناگهانی بر آن‌ها حمله می‌کند و آن‌ها را طوری شکست می‌دهد که دیگر چاره‌ای نداشته باشند.

۱۶-۱۹ شش، بلکه هفت چیز است که خداوند از آن‌ها نفرت دارد و نمی‌تواند تحمل کند: چشم متکبر، زبان دروغگو، دستی که خون بیگناهی را بریزد، فکری که نقشه‌های پلید بکشد، پای‌های که برای انجام کارهای زشت عجله کند، شاهی که شهادت دروغ بدهد و کسی که بین برادران اختلاف بیندازد.

اخطار علیه زناکاری

هر چه پدرت می‌گوید انجام بده و آنچه مادرت می‌گوید فراموش مکن.^{۲۱} سخنان آن‌ها را همیشه بخاطر داشته باش و آن‌ها را در قلبت حفظ کن.^{۲۲} تعلیمات آن‌ها هنگام سفر راهنما، شبها محافظ و روزها مشاور تو خواهند بود.^{۲۳} اوامر آن‌ها مانند چراغی روشن است و سرزنش‌های آن‌ها طریق زندگی را به تو می‌آموزد.^{۲۴} آن‌ها تو را از زنان بدکار و از سخنان

فریبنده‌شان دور می‌کند.^{۲۵} مواظب باش که زیبایی آن‌ها تو را تحریک ننماید و چشمان افسونگرشان تو را وسوسه نکند.^{۲۶} زنا کردن با زن فاحشه انسان را به فقر و گرسنگی می‌کشاند، اما زنا کردن با زن شوهردار به قیمت هستی و زندگی انسان تمام می‌شود.

^{۲۷} آیا می‌توانی آتش را در آغوش بگیری و نسوزی؟^{۲۸} آیا کسی می‌تواند روی آتش راه برود و پایش نسوزد؟^{۲۹} همینطور کسی که با زن شوهردار همبستر شود، از مجازات در امان نخواهد بود.^{۳۰} مردم، کسی را که بخاطر گرسنگی دزدی کرده‌است، سرزنش نمی‌کنند،^{۳۱} اما اگر دستگیر شود باید هفت برابر آنچه دزدیده جریمه بدهد - باید هر چه دارد بدهد.^{۳۲} اما مردی که با زن شوهردار زنا می‌کند، کاملاً پست و احمق است. زیرا او جان خود را از بین می‌برد.^{۳۳} رسوایی و بدنامی نصیب او خواهد شد و ننگ او از بین نخواهد رفت.^{۳۴} زیرا حسادت، خشم شوهر آن زن را بر می‌انگیزد و در موقع انتقام هیچ رحم و شفقتی نخواهد کرد.^{۳۵} هیچ چیز او را راضی نمی‌کند و به هیچ قیمتی نمی‌توانی رضایت او را به دست آوری.

۷ ^۱ فرزندم، هر چه می‌گویم به خاطر بسپار و هرگز فراموش نکن^۲ هر چه می‌گویم، انجام بده تا زنده بمانی. تعلیمات مرا مانند مردمک چشم خود محافظت کن.^۳ آن‌ها را آویزه گوش خود ساز و بر لوح دلت نقش کن.^۴ حکمت را خواهر خود محسوب کن و دانش را مانند نزدیکترین دوست خود بدان.^۵ آن‌ها تو را از زن شوهردار و از سخنان تملق‌آمیز آن‌ها دور می‌کند.

زنان هرزه و فاسد

^۶ یک روز از پنجره اطاقم به بیرون نگاه می‌کردم.^{۷-۹} در بین جوانان بی تجربه، جوان احمقی را دیدم که در موقع تاریک شدن هوا، در کوچه‌ای به طرف خانه زنی می‌رفت.^{۱۰} آن زن به طرف او آمد. لباس زنان هرزه را پوشیده بود و نقشه‌های پلیدی در سر داشت.^{۱۱-۱۲} زن گستاخ و بی حیائی بود. از آن زنهایی که همیشه در جاده‌ها گردش می‌کنند و یا در گوشه سرکها و کوچه و

بازارها می ایستند.^{۱۳} دست های خود را به گردن آن جوان انداخت او را بوسید و با نگاهی شرم آور گفت:^{۱۴} «امروز نذر خود را داده و قربانی کرده ام و از گوشت آن غذا پخته ام.^{۱۵} اکنون به دنبال تو می گشتم تا تو را پیدا کنم و حالا یافتم.^{۱۶} رختخواب خود را با پارچه های ابریشمی رنگارنگ مصری پوشانیده ام^{۱۷} و با بهترین عطرهاى خوشبو آن را معطر کرده ام.^{۱۸} بیا برویم تا صبح عشق بازی کنیم و در آغوش هم لذت ببریم،^{۱۹} شوهرم در خانه نیست و به سفر درازی رفته است.^{۲۰} پول زیادی با خود برده و تا دو هفته دیگر بر نمی گردد.»^{۲۱} سرانجام با زبان چرب و نرم و با چاپلوسی او را فریب داد.^{۲۲} او فوراً تسلیم شده مثل گاوی که به کشتارگاه می رود،^{۲۳} و مانند آهوئی که خرامان به سوی دام پیش می رود تا تیری به قلبش زده شود و مانند پرنده ای که به داخل دام می پرد، به دنبال آن زن به راه افتاد و نمی دانست که زندگی او در خطر است.

^{۲۴} پس ای پسران من، توجه کنید و به سخنان من گوش دهید:^{۲۵} نگذارید چنین زنی قلب شما را اسیر کند. به دنبال او نروید.^{۲۶} او مردان زیادی را بیچاره کرده و عده بی شماری را به سوی مرگ کشانده است.^{۲۷} اگر به خانه چنین زنانی بروی، در راه جهنم هستی و این راه، کوتاهترین راه به سوی مرگ و نابودی است.

ندای حکمت

۸ ^۱ حکمت شما را دعوت می کند و عقل سلیم شما را به سوی خود می خواند.^۲ در جاهای بلند، در کنار جاده ها و سر چهار راه ها ایستاده است.^۳ کنار دروازه شهرها و در پیشروی خانه ها فریاد می زند:^۴ «ای مردان، به شما و همچنین به تمام بشر می گویم.^۵ اگر جاهل هستید یاد بگیرید تا عاقل شوید. اگر نادان هستید یاد بگیرید تا دانا شوید.^۶ گوش دهید، چونکه سخنانم بسیار عالی و آنچه می گویم کاملاً درست است.^۷ آنچه می گویم حقیقت دارد، زیرا از دروغ متنفرم.^۸ هر چه می گویم حقیقت است و هیچ بدی و فریب در آن نیست.^۹ برای مردم دانا و

فهمیده کاملاً روشن و آشکار است.^{۱۰} تعلیمات من با ارزشتر از نقره و علم من برتر از طلا است.^{۱۱} ارزش حکمت از جواهرات بیشتر است و هیچ چیزی در دنیا نیست که بتوانی با آن مقایسه کنی.

^{۱۲} حکمت و خردمندی دو یار موافق هستند.^{۱۳} اگر کسی به خداوند احترام داشته باشد، بدون شک از شرارت نفرت دارد، زیرا که حکمت از تکبر، غرور، فساد و هر نوع فریبکاری متنفر است.^{۱۴} من که حکمت هستم، شما را هدایت می‌کنم و به شما خردمندی می‌بخشم.^{۱۵} با کمک من پادشاهان سلطنت می‌کنند و فرمانروایان با نیروی من عادلانه فرمان می‌دهند.^{۱۶} تمام حکمرانان جهان با کمک من حکمرانی می‌کنند. مردمان شریف و فرمانداران از من کمک می‌گیرند.^{۱۷} کسانی که مرا دوست دارند، من هم آن‌ها را دوست دارم و هر که به جستجوی من باشد، حتماً مرا خواهد یافت.^{۱۸} ثروت و عزت، سعادت و موفقیت نزد من است.^{۱۹} بخشش‌های من، از طلای ناب بهتر و از نقره خالص گرانبها تر است.^{۲۰} در راه حق قدم می‌بردارم و طریق انصاف را می‌پیمایم.^{۲۱} به کسانی که مرا دوست دارند ثروت می‌بخشم و انبارهای آن‌ها را پُر می‌کنم.

^{۲۲} خداوند، در زمانهای خیلی قدیم، قبل از هر چیز مرا آفرید و من، اولین مخلوق خداوند هستم.^{۲۳} از ازل، پیش از آنکه جهان آفریده شود، من وجود داشتم.^{۲۴} قبل از آنکه اقیانوسها بوجود آیند، قبل از آنکه چشمه‌های آب بروی زمین جاری شوند، من وجود داشته‌ام.^{۲۵} قبل از آنکه کوهها خلق شوند، پیش از اینکه تپه‌ها بوجود آیند، من بدنیا آمدم.^{۲۶} قبل از اینکه خدا زمین و صحراها و حتی ذرات خاک زمین را خلق کند، من وجود داشتم.^{۲۷} وقتی که او آسمان را خلق می‌کرد و افق را بروی اقیانوسها می‌گسترانید، من آنجا بودم.^{۲۸} وقتی که او ابرها را در آسمان قرار می‌داد و چشمه‌ها را در اعماق زمین باز می‌کرد،^{۲۹} زمانی که حدود اقیانوسها را تعیین می‌کرد تا آبها از حدود خود تجاوز نکنند و زمانی که زمین را بنیاد می‌نهاد، من آنجا بودم.^{۳۰} من مانند یک معمار در حضور او و سرچشمه خوشی همیشگی او بودم. همه وقت در حضور او خوشحالی می‌کردم و از جهان و از مردمش خشنود بودم.

^{۳۲} حال ای پسران من، گوش کنید: آنچه می‌گویم انجام دهید تا خوشی تان کامل شود. ^{۳۳} به نصایح من توجه کنید. عاقل باشید و از آن‌ها سرپیچی ننمائید. ^{۳۴} کسانی که به سخنان من گوش می‌دهند، و کسانی که هر روز در مقابل خانه من می‌ایستند و بیرون دروازه، انتظار می‌کشند، خوشبخت هستند. ^{۳۵} کسی که مرا به دست می‌آورد، زندگی حقیقی را پیدا می‌کند و خداوند از او خشنود خواهد شد. ^{۳۶} کسی که مرا از دست می‌دهد، به خود صدمه می‌زند. کسی که از من نفرت دارد، مرگ را دوست می‌دارد.»

حکمت و حماقت

۹ ^۱ حکمت خانه‌ای برای خود ساخته است که دارای هفت ستون می‌باشد. ^۲ و ضیافت بزرگی ترتیب داده و انواع شراب را مهیا نموده دسترخوان خود را هموار کرده‌است. ^۳ کنیزان خود را به سر چهار راهی‌های شهر فرستاده است تا با صدای بلند فریاد کنند: ^۴ «ای مردم ساده‌دل و ای کسانی که عقل کامل ندارید، ^۵ بیائید و از غذای من بخورید و از شرابی که آماده نموده‌ام، بنوشید. ^۶ نادانی را ترک کنید و حکمت بیاموزید.»

^۷ اگر آدم فریبکار را که دیگران را مسخره می‌کند سرزنش کنی، به خودت توهین خواهد شد. و هر که مرد شیریری را ملامت کند، به خود صدمه خواهد زد. ^۸ هرگز شخص خودخواه را سرزنش مکن، زیرا او از تو نفرت خواهد کرد، اما اگر مرد دانایی را سرزنش کنی، به تو علاقه‌مند خواهد شد. ^۹ هر چه به شخص دانا بگویی، داناتر می‌شود، و هر چه به شخص درستکار بگویی، دانش او بیشتر خواهد شد.

^{۱۰} ترس خداوند، ابتدای حکمت است و شناختن آن قدوس، اصل دانش می‌باشد. ^{۱۱} زیرا آن دانش، عمر تو را طولانی می‌کند. ^{۱۲} اگر دانا هستی از دانائی خود نفع خواهی برد و اگر حکمت را ناچیز بشماری به خودت زیان می‌رسانی.

^{۱۳} زن بدکار موجود بی حیا است و شهوت و بی شرمی او پایانی ندارد. ^{۱۴} بر دروازه خانه خود می نشیند و یا سر چهارراهی ها می ایستد. ^{۱۵} رهگذرانی را که در فکر کار خود شان هستند دعوت می کند. ^{۱۶} و می گوید: «ای مردم ساده دل، به اینجا بیائید» و به مردم نادان می گوید: ^{۱۷} «آب دزدی شیرین تر و نانی که در پنهانی خورده شود، خوشمزه تر است.» ^{۱۸} مردمی که فریب می خورند، نمی دانند کسی که به خانه آن زن برود، زندگی خود را از دست می دهد و کسانی که به خانه او رفته اند، اکنون در قعر جهنم می باشند.

امثال سلیمان

۱۰ اینها از سخنان سلیمان است:

^۱ پسر عاقل پدر خود را خوشحال می سازد، اما پسر احمق سبب اندوه مادر خود می شود.

^۲ ثروتی که از راه های نامشروع به دست آورده باشی برایت مفید نخواهد بود، اما امانت و صداقت زندگی تو را از نابودی نجات می دهد.

^۳ خداوند نمی گذارد که شخص صادق گرسنه بماند، ولی خواهش های شرارت آمیز مردم شریر را برآورده نمی سازد.

^۴ تنبلی تو را فقیر می سازد، اما کار و کوشش ترا ثروتمند می کند.

^۵ شخص عاقل هنگام تابستان آذوقه خود را ذخیره می کند، ولی کسی که در موقع درو بخوابد، شرمنده خواهد شد.

^۶ شخص نیکوکار برکت خواهد یافت، ولی سخنان مرد بدکار، ظلم و شرارت را پنهان می کند.

۶ مردم نیک خاطرۀ خوبی از خود بجا می‌گذارند، اما مردم شریر خیلی زود فراموش می‌شوند.

۸ شخص عاقل به نصیحت دیگران گوش می‌دهد، اما مردمی که حرف احمقانه می‌زنند، تلف خواهند شد.

۹ مردم صادق در امن و امان خواهند بود، ولی مردم خائن رسوا خواهند شد.

۱۰ کسی که حقیقت را پنهان کند، موجب بدبختی می‌شود، ولی کسی که آشکارا انتقاد کند، صلح و آرامش بوجود می‌آورد.

۱۱ سخنان مرد نیک چشمۀ حیات است. اما سخنان مرد شریر، ظلم و شرارت را پنهان می‌کند.

۱۲ کینه و نفرت موجب زحمت و دردسر می‌شود، اما محبت تقصیرات دیگران را نادیده می‌گیرد.

۱۳ مردم فهمیده حرف حکیمانه می‌زنند، ولی مردم نادان باید تنبیه شوند.

۱۴ مردم حکیم همیشه دنبال کسب علم و دانش هستند، اما سخنان مردم نادان مشکلات بار می‌آورند.

۱۵ اموال دولتمندان آن‌ها را محافظت می‌کند، اما تنگدستی مردم فقیر سبب نابودی آن‌ها می‌گردد.

۱۶ پاداش نیکوکاری آرامش و عاقبت شرارت هلاکت است.

۱۷ آنهایی که به پند و نصیحت دیگران گوش می‌دهند، نجات می‌یابند، اما کسانی که به اشتباهات خود اعتراف نمی‌کنند، گمراه می‌گردند.

۱۸ کسی که کینه و نفرت خود را مخفی می‌کند، دروغگو و کسی که شایعات بی اساس را منتشر می‌کند، احمق است.

۱۹ پُرگوئی موجب گناه می‌شود، اما مرد عاقل کسی است که سکوت اختیار می‌کند.

۲۰ سخنان مرد نیکو، مانند نقرهٔ خالص است، ولی افکار شیرین هیچ ارزش ندارد.

۲۱ سخنان مرد نیکو به عدهٔ زیادی فایده می‌رساند، اما سخنان احمق موجب نابودی خودش می‌شود.

۲۲ برکت خداوند بزرگترین ثروت ما است. تمام تلاش و زحمت ما چیزی به آن افزوده نمی‌تواند.

۲۳ لذت بردن از کارهای بد، کار احمقانه‌ای است. مردم عاقل از حکمت لذت می‌برند.

۲۴ مردم راستکار به آروزهای خود می‌رسند، ولی مردم شیرین دچار بلائی می‌شوند که از آن می‌ترسند.

۲۵ وقتی طوفان بیاید مردم شیرین نابود می‌شوند، اما مردم راستکار همیشه در امان هستند.

۲۶ هرگز کار خود را به مردم تبیل نسپار، آن‌ها مثل سرکه برای دندان و مانند دود برای چشم زیان‌بخش هستند.

۲۷ خداوند را احترام کن تا عمرت دراز شود. مردم شیرین عمر طولانی و پُر ثمر ندارند.

۲۸ امیدهای مرد نیک او را خوشحال می‌سازد، ولی مردم شیرین هیچ امیدی ندارند.

۲۹ خداوند از مردم راستکار حمایت می‌کند، ولی شیرین را نابود می‌سازد.

۳۰ مردم نیک همیشه در امنیت بسر می‌برند، اما مردم شریر بر روی زمین زنده نخواهند ماند.

۳۱ مردم نیکوکار از روی حکمت صحبت می‌کنند، اما زبان شیرین بریده خواهد شد.

۳۲ مردم نیکوکار با مهربانی صحبت می‌کنند، اما سخنان شیرین همیشه موجب رنجش مردم است.

۱ | ۱ خداوند از تقلب نفرت دارد، اما از صداقت خوشنود می‌گردد.

۲ مردم متکبر خیلی زود شرمنده خواهند شد، اما مردم حکیم فروتن هستند.

۳ صداقتِ مرد راستکار راهنمای اوست، ولی مرد خیانتکار بوسیله ناراستی خود هلاک می‌شود.

۴ ثروت در هنگام مرگ هیچ فایده‌ای برای تو ندارد، ولی صداقت موجب نجات تو خواهد شد.

۵ صداقت، زندگی شخص صادق را آسانتر می‌سازد، اما مرد شریر از شرارت خود هلاک می‌شود.

۶ صداقت، مردم نیک را نجات می‌دهد، ولی خیانت‌های مرد شریر باعث دردسر او می‌شود.

۷ وقتی که مرد شریر می‌میرد، امیدها و آرزوهایش هم با او می‌میرند. اعتماد به ثروت نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۸ مردم صادق از مشکلات آزاد می‌شوند و مردم شریر بجای آن‌ها گرفتار می‌گردند.

۹ سخنان مردم بی‌ایمان موجب هلاکت تو می‌گردد، ولی دانش مردم عاقل می‌تواند تو را نجات دهد.

۱۰ وقتی مردم صادق موفق می شوند، تمام مردم شهر خوشحال می گردند، و وقتی که شیران می میرند، مردم از خوشحالی فریاد می زنند.

۱۱ دعای خیر مردم صادق، سبب رونق شهر می شود، ولی سخنان شیران موجب نابودی شهر می گردد.

۱۲ تحقیر کردن دیگران، کار احمقانه ای است، اما شخص عاقل جلو زبان خود را می گیرد.

۱۳ سخن چین نمی تواند رازی را پیش خود نگهدارد، ولی می توانی به کسی که امین است، اعتماد کنی.

۱۴ ملت بدون رهبر سقوط می کند، ولی وجود مشاوران زیاد امنیت را در کشور تضمین می نماید.

۱۵ پیش از آنکه از کسی ضمانت کنی، باید او را کاملاً بشناسی. اگر او را کاملاً نمی شناسی، از قبول ضمانت او خودداری کن تا برایت دردسر ایجاد نکند.

۱۶ زنان مهربان و خیرخواه، احترام همه را جلب می کنند، اما اشخاص ظالم فقط در طلب ثروت هستند.

۱۷ مرد مهربان دوستداشتنی است و مرد ستمگر بخود صدمه می زند.

۱۸ مردم شیر چیز با ارزشی به دست نمی آورند، ولی اگر صادق باشی، حتماً پاداش خوبی خواهی گرفت.

۱۹ مردم صادق از حیات برخوردار می شوند، ولی مردم شیر به سوی نابودی می روند.

۲۰ خداوند از اشخاص بیراه نفرت دارد، اما نیکوکاران را دوست می دارد.

۲۱ مطمئن باشید که مردم شریر مجازات می‌شوند، ولی اشخاص راستکار نجات می‌یابند.

۲۲ زیبایی زن بی سلیقه مثل حلقه طلا در بینی خوک است.

۲۳ مردم نیک می‌توانند در انتظار خوشبختی باشند، در حالیکه اشخاص شریر باید فقط در انتظار غضب خدا بسر ببرند.

۲۴ بعضی از مردم که پول خود را سخاوتمندانه خرج می‌کنند، دارائی آن‌ها بیشتر می‌شود، اما کسانی که خیلی خسیس هستند، هر روز فقیرتر می‌شوند.

۲۵ سخاوتمند باش تا دولتمند شوی. کسی که دیگران را سیرآب می‌کند، خودش هم سیرآب می‌شود.

۲۶ کسی که در غله خود احتکار می‌کند تا آن را گرانتر بفروشد، مردم او را لعنت می‌کنند. اما برای کسی که آن را در موقع احتیاج می‌فروشد، دعای خیر می‌کنند.

۲۷ اگر نیت تو خیر است، مردم بتو احترام می‌گذارند، ولی اگر دنبال شر می‌گردی، خودت به آن دچار می‌شوی.

۲۸ کسانی که بر ثروت خود اعتماد می‌نمایند، مانند برگهای خزان سقوط می‌کنند، اما مردمان صادق، مانند درخت سرسبزی شگوفه کرده میوه بار می‌آورند.

۲۹ مردم احمق که اهل خانه خود را می‌رنجانند، عاقبت هستی خود را از دست می‌دهند و خدمتگار افراد حکیم‌تری می‌شوند.

۳۰ مرد صادق، دیگران را نجات می‌دهد، ولی گناهکار، دیگران را هلاک می‌کند.

۳۱ مردم نیک حتی در همین دنیا ثمرهٔ اعمال خود را خواهند دید، اما مردم شریر و گناهکار بدون شک مجازات خواهند شد.

۱۲ اگر اشتباهات کسی را که عاقل است به او بگوئی، خوشحال می‌شود، اما احمق از انتقاد نفرت می‌کند.

۲ خداوند از مردم خیرخواه خوشنود است، اما کسانی را که نقشه‌های شیطانی می‌کشند، محکوم می‌کند.

۳ انسان از بدی کردن بجائی نمی‌رسد، اما مردم صادق موفق می‌شوند.

۴ زن پاکدامن مایهٔ سرافرازی و خوشی شوهر خود می‌باشد، اما زنی که موجب شرمندگی شوهرش می‌شود، مانند سرطان استخوان است.

۵ سخنان شریران موجب گرفتاری می‌شود، ولی افکار مردم نیک کاملاً درست و بجا است.

۶ حرفهای بدکاران مردم را به دام هلاکت می‌کشاند، اما سخنان نیکان مردم را رهائی می‌بخشد.

۷ مردم شریر هلاک می‌شوند و نسل آنها باقی نمی‌ماند، ولی مردم نیک پایدار می‌باشند.

۸ شخص عاقل مورد احترام همه است، اما مردم احمق خوار می‌شوند.

۹ کسی که خوار و حقیر باشد، ولی به اندازهٔ کافی احتیاج او فراهم باشد، بهتر است از شخصی که خود را آدم بزرگی نشان بدهد، ولی نان شب را نداشته باشد.

۱۰ مرد نیک برای آسایش حیوانات خود هم فکر می‌کند، اما مردم شریر، محبت را نمی‌شناسند.

۱۱ دهقان پُرکار آذوقهٔ فراوان خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را بیهوده تلف می‌کند، احمق است.

۱۲ تنها چیزی که مردم شریر می‌خواهند، این است که کارهای ظالمانه انجام دهند، اما کارهای مردم نیک نتایج خوبی خواهد داشت.

۱۳ مردم شریر بوسیله حرفهای خود گرفتار می‌شوند، اما مرد عادل از گرفتاری نجات می‌یابد.

۱۴ اجر و پاداش هرکس مربوط به حرفهایی است که می‌زند و کارهایی که انجام می‌دهد. هر چه بکاری همان را درو می‌کنی.

۱۵ مردم احمق خیال می‌کنند که همه چیز را خوب می‌دانند، اما مردم عاقل به نصایح دیگران توجه می‌کنند.

۱۶ احمق خشم خود را فوراً ظاهر می‌کند، اما مردم عاقل بی‌احترامی و توهین را نادیده می‌گیرند.

۱۷ وقتی که حقیقت را می‌گوئید، عدالت انجام می‌شود، ولی دروغ عدالت را زیر پا می‌گذارد.

۱۸ سخنی که از روی نادانی گفته شود، مثل شمشیر تیز قلب انسان را جریحه‌دار می‌کند، اما سخنان عاقلان دل را شفا می‌بخشد.

۱۹ عمر دروغ کوتاه است، اما راستی تا ابد پایدار می‌ماند.

۲۰ توطئه‌گران افکار شیطانی دارند، اما دل کسانی که افکار خوب دارند، خوشحال می‌شود.

۲۱ برای مردم صادق واقعهٔ بد رخ نمی‌دهد، اما شریران همیشه در زحمت هستند.

۲۲ خداوند از دروغگو متنفر است، اما از مردم صادق خوشود است.

۲۳ مرد حکیم، دانش خود را آشکار نمی‌کند، اما احمق فوراً نادانی خود را ظاهر می‌سازد.

۲۴ سعی و کوشش ترا به قدرت می‌رساند، اما تنبلی تو را غلام دیگران می‌سازد.

۲۵ دل پریشان، خوشی را از بین می‌برد، ولی حرفهای خوب دل را شاد می‌سازد.

۲۶ مردم صادق، راهنمای دوستان خود هستند، اما شیران مردم را گمراه می‌کنند.

۲۷ مردم تنبل در سعی و تلاش خود موفق نمی‌شوند، اما اشخاص زحمتکش به دولت می‌رسند.

۲۸ راه راستی و عدالت به حیات منتهی می‌شود و راه بدکاران بسوی مرگ و نابودی می‌رود.

۱۳^۱ فرزند عاقل تأدیب پدر خود را می‌پذیرد، اما شخص خودخواه از پذیرفتن آن امتناع می‌کند.

۲^۲ شخص نیک بخاطر اعمال نیک خود پاداش می‌گیرد، ولی شخص بداندیش فقط تشنهٔ ظلم است.

۳^۳ هر که زبان خود را نگهدارد، جان خود را حفظ می‌کند، اما کسیکه ناسنجیده سخن بگوید، خود را هلاک می‌سازد.

۴^۴ آدم تنبل آنچه را که آرزو می‌کند، به دست نمی‌آورد، اما شخص زحمتکش کامیاب می‌شود.

۵^۵ شخص راستکار از دروغ گفتن نفرت دارد، اما آدم شریر رسوا و خوار می‌شود.

۶^۶ صداقت مردم راستکار، آن‌ها را حفظ می‌کند، ولی شرارت اشخاص بدکار، آن‌ها را به نابودی می‌کشاند.

^۷ بعضی اشخاص، در حالیکه چیزی ندارند، وانمود می کنند که ثروتمند هستند، کسانی هم هستند که خود را فقیر نشان می دهند، اما صاحب ثروت هنگفتی می باشند.

^۸ ثروت شخص پولدار صرف حفاظت جان او می شود، ولی جان آدم فقیر را خطری تهدید نمی کند.

^۹ زندگی شخص نیک مانند چراغ نورانی می درخشد، اما زندگی گناهکاران مثل چراغی است که در حال خاموشی می باشد.

^{۱۰} تکبر باعث نزاع می شود، ولی شخص دانا نصیحت را می پذیرد.

^{۱۱} ثروتی که به آسانی به دست بیاید، بزودی از بین می رود، اما دارائی ای که با کار و کوشش جمع می شود، بتدریج زیاد می گردد.

^{۱۲} آرزویی که انجام آن به تعویق افتاده باشد، دل را بیمار می کند، اما مرادی که برآورده می شود، خوشی و حیات می بخشد.

^{۱۳} هر که نصیحت را خوار شمارد، بی سزا نمی ماند، اما کسی که از آن پیروی می کند، پاداش می یابد.

^{۱۴} تعلیم مرد دانا چشمه حیات است و انسان را از دامهای مرگ می رهاند.

^{۱۵} دانائی انسان را محترم می سازد، ولی نتیجه خیانت هلاکت است.

^{۱۶} آدم دانا سنجیده عمل می کند، اما شخص نادان حماقت خود را نشان می دهد.

^{۱۷} قاصدی که مورد اعتماد نباشد، باعث گرفتاری می شود، اما پیام آور صادق موجب آرامش

می‌گردد.

^{۱۸} فقر و رسوائی دامنگیر کسی می‌شود که تأدیب را نمی‌پذیرد، ولی شخصی که آن را قبول می‌کند، محترم می‌شود.

^{۱۹} نیل به آرزو لذت‌بخش است، اما اشخاص نادان در پی آرزوهای پلید خود هستند و نمی‌خواهند از آن‌ها دست بردارند.

^{۲۰} با اشخاص دانا معاشرت کن و دانا خواهی شد، با مردم احمق همنشین شو و زیان خواهی دید.

^{۲۱} بلا دامنگیر گناهکاران می‌شود، اما چیزهای خوب نصیب مردم نیک می‌گردد.

^{۲۲} شخص نیک حتی برای نواسه‌های خود میراث بجا می‌گذارد، اما ثروتی را که گناهکاران اندوخته‌اند، به مردم راستکار می‌رسد.

^{۲۳} زمین شخص فقیر ممکن است محصول فراوان بدهد، ولی مردم ظالم آن را از او می‌ربایند.

^{۲۴} کسی که فرزند خود را تنبیه نمی‌کند، او را دوست ندارد، اما کسی که فرزند خود را دوست دارد، از تأدیب او کوتاهی نمی‌کند.

^{۲۵} شخص راستکار از خوراکی که دارد، می‌خورد و سیر می‌شود، ولی آدم بدکار گرسنگی می‌کشد.

۱۴ زن دانا خانه خود را آباد می‌کند، اما زن نادان با دست خود خانه خود را خراب می‌سازد.

۲ کسانی که با صداقت رفتار می نمایند، از خداوند می ترسند، ولی اشخاص بدکار او را تحقیر می کنند.

۳ پُرحرفی شخص احمق را به زحمت می اندازد، اما سخنان مرد دانا او را محافظت می کند.

۴ اگر گاو نباشد، انبار از غله خالی می ماند، با نیرو و قوت گاو محصول فراوان به دست می آید.

۵ شاهد امین دروغ نمی گوید، اما از دهان شاهد غلط دروغ می بارد.

۶ کسی که همه چیز را مسخره می کند، هرگز نمی تواند، حکمت را بیابد، ولی شخص فهیم به آسانی آن را به دست می آورد.

۷ از مردم احمق دوری کن، زیرا چیزی ندارند که به تو یاد بدهند.

۸ حکمتِ شخص عاقل راهنمای او است، اما حماقتِ افراد احمق باعث گمراهی آنها می شود.

۹ آدم های احمق از گناه کردن دست نمی کشند، اما اشخاص راستکار رضامندی خدا را می خواهند.

۱۰ تنها دل انسان است که تلخی او را احساس می کند و در خوشی او نیز کسی جز خودش نمی تواند شریک باشد.

۱۱ خانهٔ مردم بدکار خراب می شود، اما خیمهٔ راستکاران وسعت می یابد.

۱۲ راهی را که فکر می کنی راست است، ممکن است به مرگ منتهی شود.

۱۳ خنده می تواند اندوه را پنهان کند، اما هنگامی که خنده تمام شود، درد و اندوه بر جای خود باقی می ماند.

۱۴ آدم خدانشناس نتیجه کار خود را می بیند و شخص نیک از ثمره اعمال خود بهره می گیرد.

۱۵ آدم جاهل هر حرفی را باور می کند، اما شخص عاقل سنجیده رفتار می نماید.

۱۶ شخص دانا محتاط است و از خطر دوری می کند، ولی آدم نادان از روی غرور خود را به خطر می اندازد.

۱۷ شخص تندخو کارهای احمقانه می کند و آدم حيله گر مورد نفرت قرار می گیرد.

۱۸ حماقت نصیب جاهلان می شود و حکمت نصیب عاقلان.

۱۹ مردم بدکار عاقبت در برابر اشخاص نیک سر تعظیم فرود می آورند و محتاج آنها می شوند.

۲۰ ثروتمندان دوستان زیاد دارند، اما شخص فقیر را حتی همسایه هایش تحقیر می کنند.

۲۱ تحقیر کردن اشخاص فقیر گناه است. خوشا بحال کسی که بر آنها ترحم کند.

۲۲ کسانی که نقشه های پلید در سر می پرورانند، همراه می شوند، اما آنهایی که نیت خوب دارند، مورد محبت و اعتماد قرار می گیرند.

۲۳ کسی که زحمت می کشد، منفعت عایدش می شود، اما شخصی که فقط حرف می زند، فقیر می گردد.

۲۴ ثروت نصیب مردم دانا می شود، اما پاداش اشخاص احمق حماقت آنها است.

۲۵ شاهد راستگو جان مردم را نجات می دهد، اما شاهد دروغگو به مردم خیانت می کند.

۲۶ کسی که از خداوند می ترسد، تکیه گاه مستحکمی دارد و فرزندانش در امان می باشند.

۲۷ خداترسی چشمهٔ حیات است و انسان را از دامهای مرگ دور نگاه می‌دارد.

۲۸ عظمت یک پادشاه مربوط به تعداد مردمی است که بر آنها حکومت می‌کند. پادشاه بدون رعیت نابود می‌شود.

۲۹ کسی که صبر و حوصله دارد، شخص بسیار عاقلی است، اما از آدم تندخو حماقت سر می‌زند.

۳۰ آرامش فکری به بدن سلامتی می‌بخشد، ولی حسادت استخوان را پوسیده می‌سازد.

۳۱ کسی که به فقرا ظلم می‌کند به آفرینندهٔ آنها اهانت کرده است و هر که به مردم مسکین ترحم می‌نماید، به خدا احترام داشته است.

۳۲ مردم خداشناس وقتی بمیرند، پناهگاهی می‌داشته باشند، اما گناهکاران بوسیلهٔ گناهان خود شان تباه می‌شوند.

۳۳ اشخاص فهمیده حکمت را در خود حفظ می‌کنند، ولی آدم‌های نادان از حکمت بهره‌ای ندارند.

۳۴ صداقت مایهٔ سرفرازی یک قوم است و گناه باعث رسوائی آن.

۳۵ پادشاه از خدمتگزاران دانا و کاردان خوشنود می‌شود، اما کسانی که بی‌شرمانه عمل می‌کنند، مورد غضب او قرار می‌گیرند.

۱۵ جواب نرم خشم را فرومی‌نشانند، اما جواب سخت، خشم را برمی‌انگیزاند.

۲ از زبان مرد دانا حکمت می‌چکد، ولی از دهان شخص نادان حماقت بیرون می‌آید.

۳ خداوند همه جا را زیر نظر دارد و ناظر اعمال مردمان نیک و بد است.

۴ سخنان خوب حیات می‌بخشند، اما حرف‌های بد باعث دلشکستگی می‌شود.

۵ شخص نادان نصیحت پدر خود را بی‌اهمیت می‌شمارد، ولی فرزند عاقل تأدیب پدر خود را می‌پذیرد.

۶ خانهٔ شخص صادق از ثروت پُر است، اما دسترنج مردم بدکار برای آن‌ها تلخکامی بیار می‌آورد.

۷ معرفت توسط اشخاص دانا منتشر می‌شود نه بوسیلهٔ مردم احمق که در آن‌ها راستی نیست.

۸ خداوند از قربانی‌های مردم بدکار متنفر است، اما از دعای راستکاران خوشنود می‌شود.

۹ خداوند از اعمال بدکاران متنفر است، اما پیروان راستی را دوست می‌دارد.

۱۰ کسانی که راه راست را ترک گفته‌اند، مجازات سختی در انتظار آن‌ها است، و اگر نخواهند که تأدیب و اصلاح شوند، خواهند مُرد.

۱۱ حتی دنیای مردگان از نظر خدا پنهان نیست، پس آیا انسان می‌تواند افکار خود را از او پنهان کند؟

۱۲ کسی که کارش مسخره کردن است، از نزدیک شدن به اشخاص دانا خودداری می‌کند، زیرا دوست ندارد که سرزنش آن‌ها را بشنود.

۱۳ دلِ شاد، چهره را شاداب می‌سازد، اما دلِ غمگین، روح را افسرده می‌کند.

۱۴ شخص عاقل تشنهٔ معرفت است، اما مرد نادان خود را با حماقت سیر می‌کند.

۱۵ زندگی برای شخص فقیر سراسر زحمت است، همه چیز به نظرش بد می‌آید، اما اگر دلش شاد باشد، از زندگی لذت می‌برد.

۱۶ دارائی کم همراه با خداترسی بهتر است از ثروت هنگفت با اضطراب و تشویش.

۱۷ خوردن نان خشک با کسانی که ترا دوست دارند، بهتر است از خوردن غذای شاهانه با آنهایی که از تو نفرت دارند.

۱۸ شخص تندخو نزاع برپا می‌کند، ولی مرد صبور دعوا را فرومی‌نشاند.

۱۹ راه شخص تنبل با خار پوشیده است، اما راه آدم راستکار هموار است.

۲۰ فرزند دانا پدر خود را خوشحال می‌سازد، اما فرزند احمق مادر خود را تحقیر می‌کند.

۲۱ آدم احمق از کارهای احمقانه لذت می‌برد، اما شخص دانا از راه راست منحرف نمی‌شود.

۲۲ نقشه‌ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می‌گردد، اما مشورت زیاد باعث موفقیت می‌شود.

۲۳ انسان وقتی جواب درست می‌دهد، از آن لذت می‌برد. چقدر خوب است سخنی که بجا گفته شود!

۲۴ راه مردم دانا بسوی حیات بالا می‌رود و آن‌ها را از سقوط در جهنم بازمی‌دارد.

۲۵ خداوند خانهٔ مردم متکبر را ویران می‌کند، اما از دارائی بیوه زنان حفاظت می‌نماید.

۲۶ خداوند از نقشه‌های پلید متنفر است، ولی افکار پاک را می‌پسندد.

۲۷ کسی که دنبال سود نامشروع می‌رود، به خانواده خود لطمه می‌زند، اما کسی که از رشوت نفرت دارد، زندگی خوبی خواهد داشت.

۲۸ آدم خوب پیش از جواب دادن فکر می‌کند، اما شخص بد زود جواب می‌دهد و مشکلات بار می‌آورد.

۲۹ خداوند از مردم بدکار دور است، ولی دعای اشخاص نیک را می‌شنود.

۳۰ دیدن روی شاد و خندان و شنیدن خبر خوش به انسان خوشی و سلامتی می‌بخشد.

۳۱ کسی که انتقادهای اصلاح‌کننده را قبول کند، در جمله مردم دانا بشمار می‌رود.

۳۲ کسی که تأدیب را نپذیرد، خود را حقیر می‌سازد، ولی هر که آن را بپذیرد، دانائی کسب می‌کند.

۳۳ خدا ترسی به انسان حکمت می‌آموزد و فروتنی برای او عزت و احترام بار می‌آورد.

۱۶ انسان نقشه‌های زیادی می‌کشد، اما نتیجه نهائی آنها در دست خدا است.

۲ تمام کارهای انسان بنظر خودش درست است، ولی انگیزه‌ها را خداوند می‌بیند.

۳ نقشه‌های خود را به دست خداوند بسپار، آنگاه در کارهایت موفق خواهی شد.

۴ خداوند برای هر چیزی سرنوشتی تعیین کرده است و سرنوشت مردم بدکار تباهی است.

۵ خداوند از اشخاص متکبر نفرت دارد و هرگز اجازه نمی‌دهد که آنها از مجازات او فرار کنند.

۶ مهر و وفا داشته باش، خدا گناهت را می بخشد. از خداوند بترس و بدی به تو نمی رسد.

۷ وقتی کسی خدا را خوشنود می سازد، خدا کاری می کند که حتی دشمنان آن شخص هم با او آشتی و مصالحه نمایند.

۸ مال کم که از راه صحیح به دست آمده باشد، بهتر است از ثروت هنگفتی که از راه غلط فراهم شده باشد.

۹ انسان در فکر خود نقشه ها می کشد، اما خدا او را در انجام آن ها هدایت می کند.

۱۰ فرمان پادشاه مانند وحی قاطع است، پس او نباید در قضاوت اشتباه کند.

۱۱ خداوند می خواهد که در معاملات تان از ترازو و اوزان درست استفاده کنید. این اصل را خداوند برقرار کرده است.

۱۲ پادشاهان نباید ظلم کنند، زیرا تخت سلطنت بر اساس عدالت استوار می ماند.

۱۳ پادشاهان، اشخاص راستگو را دوست دارند و از وجود آن ها خوشنود می شوند.

۱۴ خشم پادشاه پیام آور مرگ است، اما مرد عاقل آن را فرومی نشاند.

۱۵ خوشی و رضایت پادشاه مانند ابر بهاری است که حیات به ارمغان می آورد.

۱۶ کسب حکمت بهتر است از اندوختن طلا و نقره.

۱۷ راه مردم خداشناس دور از هر نوع بدی است و هر که در این راه قدم بردارد، جان خود را حفظ خواهد کرد.

۱۸ نتیجهٔ غرور هلاکت است و تکبر به سقوط می‌انجامد.

۱۹ بهتر است انسان متواضع باشد و با مردم ستم‌دیده بنشیند از اینکه با اشخاص متکبر باشد و در غنایم آن‌ها شریک شود.

۲۰ آنهایی که از کلام خدا اطاعت می‌کنند، سعادت‌مند می‌شوند و کسانی که بر او توکل نمایند، برکت می‌یابند.

۲۱ مرد دانا را از روی فهمش می‌شناسند و سخنان دلنشین او تأثیر زیادی دارند.

۲۲ حکمت برای کسانی که از آن برخوردارند، چشمهٔ حیات است، ولی حماقت برای مردم نادان مجازات بیار می‌آورد.

۲۳ سخنان شخص دانا عاقلانه است و تعالیمی که او می‌دهد، مؤثر می‌باشد.

۲۴ سخنان محبت‌آمیز مثل عسل شیرین است و شفای بدن انسان می‌باشد.

۲۵ راههایی هستند که بنظر انسان راست می‌آیند، اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.

۲۶ گرسنگی خوب است، زیرا ترا وادار می‌سازد تا برای رفع آن کار کنی.

۲۷ آدم بدکار نقشه‌های پلید می‌کشد و شرارت لب‌هایش مثل آتش سوزنده است.

۲۸ شخص بداندیش نزاع برپا می‌کند و آدم سخن‌چین بهترین دوستان خود را از هم جدا می‌سازد.

۲۹ شخص ظالم همسایهٔ خود را فریب می‌دهد و او را به راه غلط می‌کشاند.

۳۰ چشمان خود را می‌بندد تا دروغ را اختراع نماید و لبهای خود را حرکت می‌دهد تا شرارت را انجام دهد.

۳۱ عمر طولانی هدیه‌ای است که به مردم نیک داده می‌شود و موی سفید تاج جمال آن‌ها است.

۳۲ صبر از قدرت بهتر است و شخصی که بر نفس خود اراده دارد از کسی که شهر را تسخیر نماید برتر است.

۳۳ انسان قرعه می‌اندازد، اما حکم آن را خدا تعیین می‌کند.

۱۷ خوردن نان خشک در آرامش بهتر است از خوردن غذای شاهانه در خانه‌ای که در آن جنگ و دعوا باشد.

۲ غلام دانا بر پسر شرور آقای خود تسلط خواهد یافت و در ارثی که به او می‌رسد، شریک خواهد شد.

۳ طلا و نقره را آتش می‌آزماید و دل انسان را خدا.

۴ آدم بدکار از همنشینی با مردم بد لذت می‌برد و مرد دروغگو از همنشینی با اشخاص دروغگو.

۵ مسخره کردن مردم فقیر به منزله مسخره کردن خدائی است که آن‌ها را آفریده است. کسانی که از غم و بدبختی دیگران خوشحال می‌شوند، بی‌سزا نخواهند ماند.

۶ تاج افتخار اشخاص پیر، نواسه‌های شان می‌باشند و تاج افتخار فرزندان، والدین شان.

۷ شخص نجیب هرگز دروغ نمی‌گوید و آدم احمق هرگز حرف با منطق بر زبان نمی‌آورد.

^۸ بعضی مردم به این فکر هستند که رشوه معجزه می‌کند و آن‌ها را در هر کاری موفق می‌سازد.

^۹ کسی که تقصیر دیگران را می‌پوشاند، محبت ایجاد می‌کند، اما شخصی که آنرا آشکار می‌سازد، باعث جدائی دوستان می‌گردد.

^{۱۰} تأثیر یک ملامت به شخص فهیم بیشتر است از صد ضربه تازیانه به آدم احمق.

^{۱۱} مردم بدکار فقط در فکر ترمرد هستند، بنابراین، بشدت مجازات خواهند شد.

^{۱۲} روبرو شدن با ماده‌خرسی که چوچه‌هایش را از او گرفته‌اند، بهتر است از روبرو شدن با شخص نادانی که گرفتار حماقت شده است.

^{۱۳} اگر خوبی را با بدی تلافی کنی، بلا از خانه‌ات دور نخواهد شد.

^{۱۴} شروع کردن دعوا مانند ایجادِ رخنه در سد آب است، به جر و بحث خاتمه بده پیش از آنکه به دعوا منجر شود.

^{۱۵} خداوند از کسانی که بیگناه را محکوم و گناهکار را تبرئه می‌کند، متنفر است.

^{۱۶} صرف پول برای آموزش شخص احمق بیفایده است، زیرا او طالب حکمت نیست.

^{۱۷} دوست واقعی در هر موقعیتی محبت می‌کند و اقارب برای کمک در هنگام مشکلات، تولد یافته‌اند.

^{۱۸} تنها شخص بی‌عقل است که ضامن شخص دیگری می‌شود.

^{۱۹} شخص ستیزه‌جو گناه را دوست دارد و آدم بلند پرواز خرابی بیار می‌آورد.

۲۰ شخص بداندیش کامیاب نخواهد شد و آدم فریبکار در دام بلا گرفتار خواهد گردید.

۲۱ فرزند احمق مایهٔ غم و غصهٔ والدین خود می‌باشد.

۲۲ خوشی دل مانند دوا شفا بخش است، اما روح پژمرده انسان را بیمار می‌کند.

۲۳ آدم بدکار پنهانی رشوه می‌گیرد و مانع اجرای عدالت می‌شود.

۲۴ هدف مردم عاقل تحصیل حکمت است، اما شخص جاهل در زندگی هیچ هدفی ندارد.

۲۵ فرزند احمق مایهٔ غم و اندوه پدر و تلخکامی مادر است.

۲۶ مجازات کردن اشخاص بیگناه و جزا دادن مردم نجیب بخاطر صداقت شان کار درستی نیست.

۲۷ شخص دانا کم حرف می‌زند و آدم عاقل آرام و صبور است.

۲۸ حتی شخص احمق هم اگر خاموش باشد و حرف نزند، او را دانا و فهمیده می‌شمارند.

۱۸ آدم خودخواه با دیگران آمیزش نمی‌کند و با هر حکمت صحیح مخالفت می‌ورزد.

۲۹ شخص احمق برای حکمت ارزش قائل نیست و فقط دوست دارد که خود را دانا نشان بدهد.

۳۰ وقتی شرارت می‌آید، ننگ و رسوائی هم می‌آید و توهین خجالت را همراه دارد.

۳۱ سخنان دهان انسان مانند آب عمیق است و چشمهٔ حکمت، نهر جاری است.

۳۲ طرفداری از شخص مجرمی که حق بیگناهی را پایمال می‌کند، کار درستی نیست.

۶ حرف های آدم احمق منجر به نزاع و لت و کوب او می شود.

۷ سخنان شخص احمق مانند دامی است که او را به هلاکت می کشاند.

۸ حرف های آدم سخن چین مثل لقمه های لذیذی است که با لذت فروبرده می شود.

۹ کسی که در کار خود تنبلی می کند، مانند یک خرابکار، مخرب است.

۱۰ نام خداوند همچون قلعه ای است مستحکم که شخص راستکار به آن پناه می برد و در امان می ماند.

۱۱ اما پناهگاه ثروتمندان، ثروت شان است که گمان می کنند آن ها را محافظت خواهد کرد.

۱۲ تکبر به سقوط منجر می شود و فروتنی به سرفرازی.

۱۳ چقدر زشت و احمقانه است که اگر انسان پیش از گوش دادن به سخنی، به آن جواب بدهد.

۱۴ اگر انسان روحیه قوی داشته باشد، بیماری را تحمل می کند، اما روحیه شکسته را چه کسی می تواند تحمل کند؟

۱۵ اشخاص دانا همیشه مشتاق و آماده کسب حکمت اند.

۱۶ هدیه دادن راه را برای انسان باز می کند و او را بحضور اشخاص مهم می رساند.

۱۷ دلایل کسی که در محکمه اول صحبت می کند، بنظر درست می آیند، اما تا زمانی است که طرف مقابل هنوز دلایل خود را ارائه نکرده باشد.

۱۸ قرعه کشی، به دعوا خاتمه می دهد و منازعه بین حریفان زورمند را خاموش می سازد.

۱۹ به دست آوردنِ دلِ اقارب رنج‌دیده، سخت‌تر از تصرف یک شهر مستحکم است. خصومت بین آن‌ها دیوار جدائی ایجاد می‌کند.

۲۰ انسان نتیجهٔ حرفهائی را که می‌زند، خواهد دید.

۲۱ حرف زبانت می‌تواند حیات ترا حفظ کند یا آن را برباد دهد، بنابراین، عواقب حرف‌های خود را خواهی دید.

۲۲ وقتی مردی همسری می‌یابد، نعمتی را به دست می‌آورد. آن زن برای او برکتی است از جانب خداوند.

۲۳ درخواست فقرا با التماس توأم است و جواب ثروتمندان با خشونت.

۲۴ بسیاری از دوستی‌ها پایدار نمی‌مانند، اما دوستانی هم هستند که از خویشاوندان نزدیکتر می‌باشند.

۱۹ ^۱ بهتر است انسان فقیر باشد و با صداقت زندگی کند، از اینکه یک دروغگوی احمق باشد.

۲ داشتن دل و جرأت بدون حکمت بی‌فایده است و عجله باعث اشتباه می‌شود.

۳ انسان با حماقتِ خود زندگی خود را تباه می‌کند و بعد گناه را به گردن خداوند می‌اندازد.

۴ شخص ثروتمند دوستان بسیار پیدا می‌کند، اما دوستان آدم فقیر از او جدا می‌شوند.

۵ شاهد دروغگو بی‌جزا نمی‌ماند و کسی که به دروغ سخن گوید، جان سالم بدر نخواهد برد.

۶ مردم خوش دارند که پیش بزرگان شیرین زبانی کنند و با کسانی دوست شوند که سخاوت و بخشش می‌کنند.

۷ وقتی انسان فقیر شود، حتی خویشاوندانش او را ترک می‌کنند، چه رسد به دوستانش، و کوشش او برای بازیافتن آن‌ها بجائی نمی‌رسد.

۸ هر که در تلاش حکمت است، جان خود را دوست دارد و هر کسی که برای حکمت ارزش قایل شود، سعادت‌مند خواهد شد.

۹ شاهد دروغگو بی‌سزا نمی‌ماند و کسی که همیشه دروغ می‌گوید، هلاک خواهد شد.

۱۰ شایسته نیست که شخص احمق در ناز و نعمت بسربرد و یا یک غلام بر امیران حکومت کند.

۱۱ کسی که خشم خود را فرومی‌نشانند، عاقل است و آنکه از گناهان دیگران چشم می‌پوشد، سرفراز خواهد شد.

۱۲ غضب پادشاه مانند غرش شیر است، اما خوشنودی او مثل شبنمی است که بر سبزه می‌بارد.

۱۳ فرزند نادان بلای جان پدر خود است و غرغره‌های زن بهانه‌گیر مثل قطرات آبی است که دایم در حال چکیدن می‌باشد.

۱۴ خانه و ثروت از اجداد به ارث می‌رسد، اما زن عاقل هدیه‌ خداوند است.

۱۵ کسی که تنبل است و زیاد می‌خوابد، گرسنه می‌ماند.

۱۶ از احکام خدا پیروی کن تا زنده بمانی، زیرا هر کسی که آن‌ها را ناچیز شمارد، خواهد مُرد.

۱۷ وقتی به یک فقیر کمک می‌کنی، مثل این است که به خداوند قرض می‌دهی و خداوند است که قرض ترا ادا می‌کند.

۱۸ فرزند خود را تا که دیر نشده تربیه کن؛ اگر غفلت نمائی، زندگی او را تباه خواهی کرد.

۱۹ اگر کسی تندخوئی کند، بگذار که عاقبتش را ببیند، زیرا در غیر آن او به تندخوئی خود ادامه خواهد داد.

۲۰ اگر به پند و نصیحت گوش دهی، تا آخر عمر از حکمت برخوردار خواهی بود.

۲۱ انسان نقشه‌های زیادی در سر می‌پروراند، اما نقشه‌هایی که مطابق با خواست خدا باشد، اجراء خواهند شد.

۲۲ مهر و وفا زینت انسان است. بهتر است که انسان فقیر باشد نه دروغگو.

۲۳ خدا ترسی به انسان حیات می‌بخشد و او را کامیاب ساخته از هر بلائی محفوظ می‌دارد.

۲۴ آدم تنبل دست خود را بسوی بشقاب دراز می‌کند، اما از فرط تنبلی لقمه را به دهان خود نمی‌گذارد.

۲۵ شخص مسخره‌کننده را سرزنش کن تا مایه عبرت جاهلان شود. اشتباهات شخص فهمیده را به او نشان بده تا فهمیده‌تر گردد.

۲۶ هر کسی که با پدر خود رفتار بد می‌کند و مادر خود را از خانه بیرون می‌راند، ننگ و رسوائی بار می‌آورد.

۲۷ فرزندم، اگر از تعلیم دست بکشی، به معرفت نمی‌رسی.

۲۸ شاهد پست و فرومایه عدالت را ببازی می‌گیرد و از گناه کردن لذت می‌برد.

۲۹ مردم مسخره‌کننده و اشخاص احمق مجازات خواهند شد.

۲۰^۱ شراب انسان را به کارهای احمقانه وامی‌دارد و مشروب باعث جنگ و دعوا می‌شود. کسانی که خود را به مشروب معتاد می‌کنند، احمق‌اند.

۲^۲ غضب پادشاه مثل غرش شیر است. هر کسی که خشم او را برانگیزاند، جان خود را به خطر می‌اندازد.

۳^۳ اجتناب از نزاع برای انسان عزت می‌آورد. فقط آدم‌های احمق هستند که نزاع برپا می‌کنند.

۴^۴ شخص تنبل به موقع زمین خود را قلبه نمی‌کند، بنابراین، در هنگام برداشت محصول هر چه می‌پالد، چیزی نمی‌یابد.

۵^۵ نیت انسان در عمق دل مشورت‌دهنده مانند آب در ته چاه است و شخص عاقل آن را بیرون می‌کشد.

۶^۶ بسا اشخاص ادعا می‌کنند که باوفا هستند، اما چه کسی می‌تواند شخصی را پیدا کند که واقعاً باوفا باشد؟

۷^۷ فرزندان شخص صادق و راستکار در زندگی سعادت‌مند خواهند شد.

۸^۸ پادشاهی که بر مسند قضاوت می‌نشیند، بدقت جوانب امر را می‌سنجد و حق را از باطل تشخیص می‌دهد.

۹^۹ چه کسی می‌تواند بگوید که او دل خود را پاک نگهداشته است و از گناه مبرا می‌باشد؟

- ۱۰ خداوند از کسانی که در معامله از اوزان و پیمانه‌های تقلبی استفاده می‌کنند، متنفر است.
- ۱۱ حتی کودکی را می‌توان از طرز رفتارش شناخت و فهمید که آنچه را انجام می‌دهد، پاک و راست است یا نه.
- ۱۲ گوش شنوا و چشم بینا، هر دو عطیۀ خداوند هستند.
- ۱۳ اگر خواب را دوست داشته باشی فقیر می‌گرددی؛ پس بیدار باش تا سیر شوی.
- ۱۴ خریدار به جنس می‌نگرد و می‌گوید: «بد است!» اما وقتی آن را خرید، از آن تعریف می‌کند.
- ۱۵ سخنان حکیمانه گرانبها تر از طلا و نادرتر از جواهر است.
- ۱۶ از کسی که پیش تو ضامن شخص بیگانه می‌شود، گرو بگیر.
- ۱۷ نانی که از راه فریبکاری به دست می‌آید، لذیذ است، اما سرانجام کام را تلخ می‌کند.
- ۱۸ نقشه‌هایت را بدون مشورت با دیگران عملی نکن و بدون تدبیر به جنگ نرو.
- ۱۹ شخص سخن چین رازها را فاش می‌کند، پس با چنین شخصی معاشرت نکن.
- ۲۰ چراغ زندگی کسی که والدین خود را لعنت کند، خاموش خواهد شد.
- ۲۱ مالی که به آسانی به دست آمده باشد، برکتی نخواهد داشت.
- ۲۲ بدی را با بدی تلافی نکن، بلکه منتظر باش تا خداوند کاری کند.
- ۲۳ خداوند از اشخاصی که در معامله از ترازو و اوزان تقلبی کار می‌گیرند، متنفر است.

۲۴ خداوند راه زندگی ما را تعیین می‌کند، پس انسان چگونه می‌تواند بفهمد که راه زندگی او به کجا خاتمه می‌یابد؟

۲۵ هرگز ناسنجیده قولی به خدا مده، زیرا ممکن است گرفتار شوی.

۲۶ پادشاه دانا مردم بدکار را تشخیص می‌دهد و آن‌ها را شدیداً مجازات می‌کند.

۲۷ وجدان انسان به منزلهٔ چراغ خداوند است که تمام رازهای پنهانی او را آشکار می‌سازد.

۲۸ اگر پادشاه مهربان و راستکار باشد، سلطنتش پایدار می‌ماند.

۲۹ جلال و شکوه جوانان، قوت آن‌ها است و عزت پیران موی سفید آن‌ها.

۳۰ تجربه‌های تلخ، از بدی پاک می‌کند و عمق دل را ظاهر می‌سازد.

۲۱ ^۱ دل پادشاه در دست خداوند است و او آن را مانند آب جوی، به هر سو که بخواهد، هدایت می‌کند.

۲ تمام کارهای انسان در نظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خداوند می‌آزماید.

۳ عدالت و انصاف بیشتر از تقدیم قربانیها خداوند را خوشنود می‌سازد.

۴ مردم بدکار در اختیار غرور و تکبر خود هستند و این شیوه گناه شمرده می‌شود.

۵ نقشهٔ با دقت انسان را توانگر می‌کند، اما عجله باعث فقر می‌شود.

۶ ثروتی که از راه ناروا به دست می‌آید، هرگز دوام نمی‌کند. پس چرا باید در این راه خود را به

خطر بیندازی؟

^۷ ظلم اشخاص بدکار که نمی‌خواهند راستی را بجا آورند، عاقبت بسوی خود شان باز می‌گردد و آن‌ها را نابود می‌کند.

^۸ راه شخص گناهکار کج است، اما آدم پاک در راه راستی قدم برمی‌دارد.

^۹ سکونت در گوشهٔ بام بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه‌جو در یک خانهٔ مشترک.

^{۱۰} شخص بدکار ظلم را دوست دارد و حتی همسایه‌اش از دست او در امان نیست.

^{۱۱} جاهلان تا تنبیه شدن مردم مسخره‌کننده را نبینند، درس عبرت نمی‌گیرند، اما اشخاص دانا از شنیدن آنچه که به آن‌ها تعلیم داده می‌شود، چیزی می‌آموزند.

^{۱۲} خدای عادل اعمال خانهٔ مردم بدکار را می‌بیند و آن‌ها را واژگون کرده هلاک می‌سازد.

^{۱۳} کسی که فریاد فقیران را نشنیده می‌گیرد، در روز تنگدستی خود هم فریادرسی نخواهد داشت.

^{۱۴} آتش خشم را می‌توان با دادن هدیهٔ پنهانی خاموش کرد.

^{۱۵} اجرای عدالت برای آدم راستکار نشاط‌بخش است، اما برای شخص بدکار مصیبت بار.

^{۱۶} مرگ در انتظار کسانی است که از راه راست منحرف می‌شوند.

^{۱۷} کسی که عیاشی را دوست دارد، فقیر می‌شود و شخص میگسار و خوشگذران هرگز ثروتمند نخواهد شد.

^{۱۸} مردم بدکار در همان دامی که برای اشخاص راستکار نهاده‌اند، گرفتار می‌شوند.

۱۹ سکونت در بیابان بی آب و علف بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه جو.

۲۰ خانه شخص دانا از نعمت و ثروت پُر است، اما آدم نادان هر چه را به دست می آورد برباد می دهد.

۲۱ راستکار و مهربان باش تا عمر شاد داشته باشی و از احترام و موفقیت برخوردار شوی.

۲۲ یک شخص دانا می تواند شهر مردان با قدرت را تسخیر کند و قلعه اعتماد شان را فروریزد.

۲۳ هر که مواظب سخنان خود باشد، جان خود را از مصیبت ها نجات می دهد.

۲۴ کسانی که دیگران را مسخره می کنند، مغرور و متکبرانند.

۲۵ شخص تنبل که از کار کردن امتناع می کند، باعث هلاکت خود می شود.

۲۶ او تمام روز در خواب و خیال بسر می برد، اما شخص راستکار سخاوتمند است و از بخشیدن به دیگران دریغ نمی کند.

۲۷ قربانی های شیرین مورد قبول نیستند، پس چند مرتبه زیادتري وقتی آنها بخاطر بدی خود تقدیم کنند.

۲۸ شاهد دروغگو نابود خواهد شد، اما سخنان شخص صادق تا ابد باقی می ماند.

۲۹ آدم بدکار خودسرانه عمل می کند، اما شخص راستکار جوانب امر را می سنجد.

۳۰ هیچ حکمت و بصیرت و نقشه ای نمی تواند علیه خداوند عمل کند.

۳۱ انسان اسپ را برای روز جنگ آماده می کند، اما پیروزی را خداوند می بخشد.

۲۲^۱ نیکنامی بهتر از ثروت هنگفت است و محبوبیت گرانبها تر از طلا و نقره.

۲^۲ فقیر و ثروتمند یک وجه مشترک دارند: هر دوی آنها را خداوند آفریده است.

۳^۳ شخص زیرک خطر را می بیند و از آن دوری می کند، اما آدم جاهل بسوی آن می رود و خود را گرفتار می سازد.

۴^۴ ثمره تواضع و اطاعت از خداوند، ثروت و احترام و عمر طولانی است.

۵^۵ راه اشخاص بدکار از خارها و دامها پوشیده است. پس اگر جان خود را دوست داری از رفتن به آن راه خودداری کن.

۶^۶ کودک را در راهی که باید برود، تربیه کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد.

۷^۷ فقیر، اسیر ثروتمند است و کسی که قرض می گیرد غلام قرض دهنده است.

۸^۸ هر که ظلم بکارد، آن را درو می کند و قدرتش درهم می شکند.

۹^۹ شخص سخاوتمندی که غذای خود را با فقرا تقسیم می کند، برکت می یابد.

۱۰^{۱۰} شخص مسخره کننده را بیرون بینداز تا نزاع و مجادله و دشنام خاتمه یابد.

۱۱^{۱۱} کسی که بخواهد قلبش پاک و کلامش دلنشین باشد، حتی پادشاه هم او را دوست خواهد داشت.

۱۲^{۱۲} خداوند حافظ راستی است و سخنان دروغ را باطل می سازد.

۱۳^{۱۳} آدم تنبل در خانه می ماند و می گوید: «اگر بیرون بروم شیر مرا خواهد خورد.»

^{۱۴} سخنان زن بدکار مانند یک دام خطرناک است و هر کسی که مورد غضب خداوند باشد در آن گرفتار می‌شود.

^{۱۵} حماقت در وجود کودک نهفته است، اما تنبیه آن را از او بیرون می‌کند.

^{۱۶} کسی که بخاطر نفع خود به فقرا ظلم کند و به ثروتمندان هدیه بدهد، عاقبت گرفتار فقر خواهد شد.

گفتار حکیمانه

^{۱۷} به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد می‌دهم، گوش بده و با تمام وجود از آن‌ها پیروی کن، ^{۱۸} زیرا حفظ کردن آن‌ها در دل و جاری کردن آن‌ها بر زبان، کار پسندیده‌ای است. ^{۱۹} این سخنان را امروز به تو تعلیم می‌دهم تا بر خداوند اعتماد کنی. ^{۲۰} این سی کلام برگزیده را که پُر از پند و حکمت‌اند، برای تو نوشته‌ام ^{۲۱} تا حقیقت را همان طوری که هست به تو یاد بدهم و تو نیز آن را به کسانی که از تو سؤال می‌کنند، جواب بدهی.

^{۲۲} به شخص فقیری که حامی ندارد، ظلم نکن و حق بیچارگان را در محکمه پایمال نساز. ^{۲۳} زیرا خداوند به داد آن‌ها می‌رسد و کسانی را که به آن‌ها ظلم کرده‌اند، بسزای اعمال شان می‌رساند.

^{۲۴} با اشخاص تُندخو که زود خشمگین می‌شوند معاشرت نکن، ^{۲۵} مبادا مثل آن‌ها شوی و زندگی خود را تباه کنی.

^{۲۶} ضامن کسی نشو و تعهد نکن که او قرض خود را ادا خواهد کرد، ^{۲۷} زیرا اگر مجبور به پرداخت قرض او شوی و نتوانی آن را بپردازی رختخوابت را از زیر پایت بیرون می‌کشد.

^{۲۸} سرحد مُلک خود را که اجدادت از قدیم تعیین کرده‌اند، به نفع خود تغییر نده.

^{۲۹} اگر کسی در کار خود ماهر باشد، بدان که او جزو اشخاص گمنام نخواهد بود، بلکه در دربار پادشاهان راه خواهد یافت.

۲۳ ^۱ وقتی با شخصی مهمی غذا می‌خوری، بخاطر داشته باش که با چه کسی نشسته‌ای. ^۲ اگر شخص پُرخوری هستی، کارد را بر گلوی خود بگذار ^۳ و حریص غذاهای لذیذ او نباش، زیرا ممکن است ترا فریب بدهد.

^۴ عاقل باش و برای کسب ثروت، خود را خسته نکن، ^۵ زیرا ثروت پایدار نیست و مانند عقاب می‌پرد و ناپدید می‌شود.

^۶ از خوان شخص خسیس غذا نخور و برای طعام‌های لذیذ او حریص نباش، ^۷ زیرا او حساب هرچه را که بخوری در فکر خود نگاه می‌دارد. او تعارف می‌کند و می‌گوید: «بخور و بنوش»، اما این را از صمیم دل نمی‌گوید. ^۸ لقمه‌ای را که خورده‌ای استفراغ خواهی کرد و تشکرات تو برباد خواهند رفت.

^۹ آدم احمق را نصیحت نکن، زیرا او سخنان حکیمانه‌تر از بی‌اهمیت می‌شمارد.

^{۱۰} سرحد مُلک خود را که از قدیم تعیین شده تغییر نده و زمین یتیمان را بزور نگیر، ^{۱۱} زیرا خداوند «حامی» آن‌ها با قدرت است و به داد آن‌ها می‌رسد.

^{۱۲} وقتی معلم ترا تعلیم می‌دهد، از صمیم دل به سخنان آموزنده‌ آنها گوش بده.

^{۱۳} از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن، زیرا تنبیه او را نمی‌کشد، ^{۱۴} بلکه جان او را از هلاکت نجات می‌دهد.

^{۱۵} فرزندم، اگر حکمت بیاموزی، دل من شاد می‌شود، ^{۱۶} و هنگامی که سخن راست بگوئی تمام وجودم به وجد می‌آید.

^{۱۷} به بدکاران حسادت نوز، بلکه آرزوی تو اطاعت از خداوند باشد، ^{۱۸} زیرا در اینصورت آینده خوبی خواهی داشت و امید تو برباد نخواهد رفت.

^{۱۹} فرزندم، عاقل باش و به سخنانم گوش بده. در راه راست قدم بردار ^{۲۰} و با مردم شرابخور و شکم پرست معاشرت نکن، ^{۲۱} زیرا کسانی که کارشان فقط خوردن و خوابیدن است، فقیر و محتاج می‌شوند.

^{۲۲} به نصیحت پدرت که ترا به وجود آورده است، گوش بده و مادرت را هنگامی که پیر می‌شود، خوار نشمار. ^{۲۳} در پی حقیقت باش و حکمت و ادب و دانش را کسب کن و به هیچ قیمتی آن‌ها را از دست نده. ^{۲۴-۲۵} فرزند راستکار و دانا باش تا باعث خوشی و خوشنودی پدر و مادرت شوی.

^{۲۶} فرزندم، سخنان مرا بشنو و زندگی مرا سرمشق خود قرار ده. ^{۲۷} بدان که زن بدکاره دام خطرناکی است. ^{۲۸} او مانند راهزن در کمین قربانی‌های خود می‌نشیند و به تعداد مردم خیانتکار می‌افزاید.

^{۲۹} مصیبت و بدبختی نصیب چه کسی می‌شود؟ آن کیست که همیشه جنگ و دعوا برپا می‌کند، بی‌جهت زخمی می‌شود و چشمانش تار می‌گردند؟ ^{۳۰} کسی که دایم شراب می‌خورد و بدنبال می‌گساری می‌رود. ^{۳۱} پس فریفته شراب گلگون نشو که در پیاله به تو چشمک می‌زند و بعد آهسته از گلویت پائین می‌رود، ^{۳۲} در آخر، مثل مار کشنده ترا نیش می‌زند و مانند کفچه‌مار ترا می‌گزد. ^{۳۳} چشمانت چیزهای عجیب و غریب می‌بینند و گرفتار وهم و خیال می‌گردی. ^{۳۴} مانند کسی می‌شوی که در بحر خوابیده و با امواج آن دست و پنجه نرم می‌کند. ^{۳۵} می‌گوئی: «مرا زدند، اما دردی را احساس نمی‌کنم. چه وقت به هوش می‌آیم تا یک پیاله دیگر بنوشم؟»

۲۴^۱ به اشخاص بدکار حسادت نورز و آرزوی دوستی آن‌ها را نداشته باش،^۲ زیرا تمام فکر و ذکر آن‌ها این است که به مردم ظلم کنند، و هر وقتیکه دهان می‌گشایند مردم را می‌رنجانند.

۳^۳ خانه بر بنای حکمت و دانش آباد می‌گردد،^۴ اطاق‌هایش با دانائی از اسباب نفیس و گرانقیمت پُر می‌شوند.

۵^۵ شخص دانا و فهمیده از قدرت زیاد برخوردار است و همیشه به قدرت خود می‌افزاید.
۶^۶ پیروزی در جنگ مربوط به تدابیر خوب و مشورت زیاد است.

۷^۷ شخص احمق نمی‌تواند به حکمت دست یابد. وقتی موضوع مهمی مورد بحث قرار می‌گیرد، او حرفی برای گفتن ندارد.

۸^۸ کسی که دایم نقشه‌های پلید در سر می‌پروراند، عاقبت رسوا می‌شود.^۹ نقشه‌های آدم احمق گناه‌آلوداند و کسی که دیگران را مسخره می‌کند، مورد نفرت همهٔ مردم می‌باشد.

۱۰^{۱۰} اگر سختی‌های زندگی را تحمل کرده نتوانی، شخص ضعیفی هستی.

۱۱^{۱۱} از نجات دادن کسی که به ناحق محکوم شده است، کوتاهی نکن.^{۱۲} نگو که از ماجرا بیخبر بوده‌ای، زیرا خدائی که جان ترا در دست دارد و از دل تو آگاه است، می‌داند که تو از همه چیز باخبر بوده‌ای. او هر کسی را مطابق اعمالش جزا می‌دهد.

۱۳-۱۴^{۱۳-۱۴} فرزندم، همانطوری که خوردن عسل کام ترا شیرین می‌کند، کسب حکمت نیز برای جان تو شیرین خواهد بود. کسی که حکمت می‌آموزد آیندهٔ خوبی در انتظارش می‌باشد و امیدهای او بر باد نمی‌رود.

۱۵^{۱۵} مانند بدکاران نباش که منتظر هستند تا خانهٔ مردم درستکار را غارت و ویران کنند،^{۱۶} زیرا شخص راستکار حتی اگر هفت بار هم بیفتد، باز برمی‌خیزد، ولی اشخاص بدکار گرفتار بلا

شده سرنگون می گردند.

^{۱۷} وقتی دشمنان دچار مصیبت می شوند، خوشحال نشو و هنگامی که می افتند خوشی نکن،
^{۱۸} زیرا خداوند این کار ترا می بیند و نمی پسندد و آنگاه از مجازات آن ها دست برمی دارد.

^{۱۹} بخاطر مردم بدکار، تشویش نداشته باش و به آن ها حسادت نوز، ^{۲۰} زیرا شخص بدکار
آینده ای ندارد و چراغش خاموش می شود.

^{۲۱} فرزندم از خداوند و پادشاه بترس و با کسانی که علیه آن ها شورش می کنند همدست نشو.
^{۲۲} زیرا نابودی آن ها ناگهانی است و کسی نمی داند که خداوند و پادشاه چه بلائی را بر سر آن ها
می آورد.

چند سخن حکیمانه دیگر

^{۲۳} مردان حکیم این سخنان را نیز گفته اند:

قاضی نباید در وقت محاکمه از کسی طرفداری کند. ^{۲۴} هر کسی که به مجرم بگوید: «تو بیگناه هستی»، مورد لعنت و نفرت مردم قرار می گیرد. ^{۲۵} اما شخصی که گناهکار را محکوم کند،
سعادت و برکت نصیبش می شود.

^{۲۶} جواب صادقانه مانند بوسهٔ یک دوست دلچسپ است.

^{۲۷} اول کار و کسبی برای خود پیدا کن و بعد خانه و خانواده ات را تشکیل بده.

^{۲۸} علیه همسایه ات شهادت دروغ مده و سخنان غلط در باره اش بر زبان نیاور. ^{۲۹} نگو: «همان
بلائی را که بر سر من آورده بر سر خودش می آورم.»

^{۳۰} از کنار مزرعه آدم تنبل و تاکستان مرد احمق گذشتم. ^{۳۱} در همه جا خار روئیده بود. علف‌های هرزه زمین را پوشانده و دیوار مزرعه فروریخته بود. ^{۳۲} با دیدن این منظره به فکر فرورفتم و این درس را آموختم: ^{۳۳} کسی که دست بر دست هم می‌گذارد و دایم می‌خواهد و استراحت می‌کند، ^{۳۴} عاقبت فقر و تنگدستی مثل راهزن مسلحی به سراغش می‌آید.

امثال بیشتر سلیمان

۲۵^۱ اینها نیز از امثال سلیمان‌اند که کاتبان حزقیا، پادشاه یهودا آن‌ها را نقل کرده‌اند:

^۲ عظمت خدا در پوشاندن اسرارش می‌باشد، اما عظمت پادشاه در دانستن عمق مسائل.

^۳ بی بردن به افکار پادشاه مانند دست یافتن به آسمان و عمق زمین، غیر ممکن است.

^۴ ناپاکی را از نقره جدا کن تا زرگر بتواند از آن ظرفی بسازد. ^۵ مأمورین بدکار پادشاه را از او دور کن تا تخت او در عدالت پایدار بماند.

^۶ وقتی بحضور پادشاه می‌روی، خود را شخص بزرگی مینداز و در جای بزرگان منشین، ^۷ چون بهتر است به تو گفته شود: «بالا تر بنشین»، از اینکه ترا در برابر چشمان بزرگان در جای پائینتر بنشانند.

^۸ وقتی با همسایه‌ات اختلاف داری، به عجله به محکمه برو، زیرا اگر در آخر ثابت شود که حق با او بوده است، تو چه خواهی کرد؟

^۹ وقتی با همسایه‌ات دعوا می‌کنی، رازی را که از دیگران شنیده‌ای فاش نکن، ^{۱۰} زیرا در اینصورت دیگر کسی به تو اطمینان نخواهد کرد و بدنام خواهی شد.

^{۱۱} سخنی که بجا گفته شود، مانند نگین های طلا است که در ظرف نقره ای نشانده شده باشند.

^{۱۲} نصیحت شخص دانا برای گوش شنوا مانند حلقه طلا و جواهر، با ارزش است.

^{۱۳} خدمتگار صادق همچون آب سرد در گرمای تابستان، روح آقای خود را تازه می کند.

^{۱۴} کسی که دم از سخاوت می زند، اما چیزی به کسی نمی بخشد، مانند ابر و بادی است که باران نمی آورد.

^{۱۵} شخص صبور می تواند حتی حاکم را قانع سازد و زبان نرم می تواند هر مانعی قوی را از بین بردارد.

^{۱۶} اگر به عسل دست یابی زیاد از حد نخور، زیرا ممکن است دل بد شوی و استفراغ کنی. ^{۱۷} به خانه همسایه ات زیاد از حد نرو، مبادا از تو سیر و متنفر شود.

^{۱۸} شهادت دروغ مثل تبر و شمشیر و تیر تیز، صدمه می زند.

^{۱۹} اعتماد کردن به شخص خائن در زمان سختی مانند جویدن غذا با دندان لق و دویدن با پای شکسته است.

^{۲۰} آواز خواندن برای شخص غمگین مثل کشیدن لباس از تن، در هوای سرد و پاشیدن نمک بر زخم او است.

^{۲۱} اگر دشمنت گرسنه باشد، به او غذا بده و اگر تشنه باشد، او را آب بنوشان. ^{۲۲} این عمل تو او را شرمند می سازد و خداوند به تو پاداش می دهد.

^{۲۳} همانطوری که باد شمال باران می آورد، بدگوئی هم خشم و عصبانیت بار می آورد.

۲۴ سکونت در گوشهٔ بام بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه‌جو در خانهٔ مشترک.

۲۵ خبر خوشی که از دیار دور می‌رسد، همچون آب سردی است که به کام شخص تشنه لب می‌ریزد.

۲۶ سازش آدم راستکار با شخص بدکار مانند آلوده کردن منبع آب و گل‌آلود ساختن چشمه است.

۲۷ همانطوری که افراط در خوردن عسل مضر است، انتظار تعریف و تمجید از مردم نیز ناپسند است.

۲۸ کسی که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهر بی‌دیوار و آمادهٔ انهدام است.

۲۹ ^۱ همانطوری که باریدن برف در تابستان یا باران در فصل درو خلاف قانون طبیعت است، احترام داشتن به اشخاص نادان هم جایز نیست.

۳۰ نفرین، اگر مستحق آن نباشی، صدمه‌ای به تو نمی‌رساند و مانند پرنده‌ای است که به هر طرف پرواز می‌کند و در جایی نمی‌نشیند.

۳۱ قمچین برای اسپ، قیزه برای الاغ و چوب برای تنبیه احمق ضرور است.

۳۲ کسی که به سؤال احمقانه جواب بدهد، مثل سؤال‌کنندهٔ آن احمق است.

۳۳ پس باید به سؤال احمقانه جواب احمقانه داد تا کسی که سؤال کرده فکر نکند که عاقل است.

۳۴ کسی که به دست آدم احمق پیغام می‌فرستد، مثل شخصی است که پای خود را قطع می‌کند و یا زهر می‌خورد.

^۷ مثلی که از دهان شخص نادان بیرون می‌آید، مانند پای لنگ سست است.

^۸ احترام داشتن به آدم احمق مانند بستن سنگ به فلاخن کار احمقانه است.

^۹ مثلی که از دهان آدم احمق بیرون می‌آید، همچون خاری که به دست شخص احمق فرومی‌رود و او حس نمی‌کند، بی‌اثر است.

^{۱۰} کسی که آدم احمق را استخدام می‌کند، مانند تیراندازی است که هر رهگذری را مجروح می‌سازد.

^{۱۱} همانطوری که سگ به استفراغ خود برمی‌گردد، به همان ترتیب شخص احمق حماقت خود را تکرار می‌کند.

^{۱۲} کسی که در نظر خودش عاقل است، از یک احمق هم نادان‌تر است.

^{۱۳} آدم تنبل پای خود را از خانه بیرون نمی‌گذارد و می‌گوید: «شیرهای درنده در کوچه‌ها هستند!» ^{۱۴} او مانند دروازه‌ای که بر پاشنه خود می‌چرخد، در رختخواب می‌غلتد و از آن جدا نمی‌شود. ^{۱۵} دست خود را بطرف بشقاب دراز می‌کند، اما از فرط تنبلی لقمه را به دهان خود نمی‌گذارد. ^{۱۶} با اینهم او خود را داناتر از هفت مرد عاقل می‌داند.

^{۱۷} کسی که در دعوائی دخالت می‌کند که مربوط به او نیست، مانند شخصی است که از گوشه‌های سگی می‌گیرد.

^{۱۸-۱۹} شخصی که همسایه خود را فریب بدهد و بعد به او بگوید که شوخی کرده است، مثل دیوانه‌ای است که به هر طرف آتش و تیرهای مرگبار پرتاب می‌کند.

^{۲۰} اگر هیزم نباشد، آتش خاموش می‌شود. اگر سخن چین نباشد، نزاع فرومی‌نشیند.

^{۲۱} همانطوری که زغال و هیزم آتش را مشتعل می‌سازد، مرد ستیزه‌جو هم جنگ و دعوا را برپا می‌کند.

^{۲۲} حرف‌های آدم سخن‌چین مانند لقمه‌های لذیدی است که با لذت بلعیده می‌شوند.

^{۲۳} سخنان شیرین و فریبنده، شرارت دل را پنهان می‌کند، درست مثل لعابی که ظرف گلی را می‌پوشاند.

^{۲۴} شخص کینه‌توز با حرف‌های خود کینه دل خود را مخفی می‌کند،^{۲۵} اما تو فریب حرف‌های فریبنده او را نخور، زیرا دلش پُر از نفرت است.^{۲۶} اگرچه نفرت خود را با حيله پنهان می‌کند، ولی سرانجام خوی پلید او بر همه کس آشکار می‌گردد.

^{۲۷} هر کسی که برای دیگران چاه بکند، خودش در آن می‌افتد. هر که سنگی را بطرف دیگران بغلتاند، آن سنگ برمی‌گردد و بالای خود او می‌افتد.

^{۲۸} زبان درغگو از شنونده‌اش نفرت دارد و به او آسیب می‌رساند. سخن چاپلوس جز خرابی چیزی دیگری ببار نمی‌آورد.

۲۷ ^۱ درباره فردایت با غرور صحبت نکن، زیرا نمی‌دانی که فردا چه پیش خواهد آمد.

^۲ هرگز از خودت تعریف نکن، بگذار دیگران از تو تعریف کنند.

^۳ حمل بار سنگ و ریگ سخت است، اما تحمل سختی‌هایی که یک شخص احمق ایجاد می‌کند، از آن هم سخت‌تر است.

^۴ حسادت خطرناکتر و بی‌رحمتر از خشم و غضب است.

۵ سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است.

۶ زخم دوست بهتر از بوسه دشمن است.

۷ شکم سیر حتی از عسل کراهت دارد، اما برای شکم گرسنه هر چیز تلخ، شیرین است.

۸ کسی که خانه خود را ترک می‌کند، همچون پرنده‌ای است که از آشیانه خود آواره شده باشد.

۹ مشوره صمیمانه یک دوست همچون عطری خوشبو دلپذیر است.

۱۰ دوست خود و دوست والدینت را هرگز ترک نکن، و وقتی که در سختی هستی، بسراغ خویشاوندانت نرو. همسایه نزدیک از خویشاوندان دور بهتر است.

۱۱ فرزندم، حکمت بیاموز و دل مرا شاد کن تا بتوانم جواب کسانی را که سرزنش می‌کنند، بدهم.

۱۲ شخص زیرک خطر را می‌بیند و از آن اجتناب می‌کند، اما آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌سازد.

۱۳ از کسی که پیش تو ضامن بیگانه‌ای می‌شود، گرو بگیر.

۱۴ اگر صبح وقت با دعای خیر دوستت را از خواب بیدار کنی، دعای تو همچون لعنت خواهد بود.

۱۵ چکیدن دائمی آب در روز بارانی و زن ستیزه‌جو مثل هم هستند. ۱۶ هر که بخواهد با او مقابله کند، مثل کسی است که بخواهد مانع وزیدن باد گردد و یا اینکه روغن را در دست خود نگهدارد.

۱۷ همانطوری که آهن، آهن را تیز می‌کند، دوست نیز شخصیت دوست خود را اصلاح می‌کند.

۱۸ هر که از درخت انجیر نگهداری کند، از میوه‌اش هم خواهد خورد، و هر کسی که به آقای خود خدمت کند، عزت می‌یابد.

۱۹ همانطوری که انسان در آب، انعکاس روی خود را می‌بیند، در قلب دیگران نیز انعکاس شخصیت خود را مشاهده می‌کند.

۲۰ همانطوری که دنیای مردگان از بلعیدن زندگان سیر نمی‌شود، خواهشهای انسان هم هرگز ارضا نمی‌گردند.

۲۱ طلا و نقره را بوسیله آتش می‌آزمایند، اما انسان را از عکس‌العملش در برابر تعریف و تمجید دیگران می‌توان شناخت.

۲۲ اگر شخص احمق را در هاوَن هم بکوبی، حماقتش از او جدا نمی‌شود.

۲۳-۲۴ مال و دارائی زود از بین می‌رود و تاج و تخت پادشاه تا ابد برای اولاده او باقی نمی‌ماند. پس تو با دقت از گله و رمه‌ات مواظبت کن، ^{۲۵} زیرا وقتی بیده چیده می‌شود و محصول تازه ببار می‌آید و علف کوهستان جمع‌آوری می‌شود، ^{۲۶} آنگاه از پشم گوسفندان لباس تهیه خواهی کرد، از فروش بزهایت زمین خواهی خرید ^{۲۷} و از شیر بقیه بزهایت تو و خانواده و کنیزانت سیر خواهی شد.

۲۸ ^۱ مردم بدکار می‌گریزند، در حالیکه کسی آن‌ها را تعقیب نمی‌کند، اما اشخاص صادق مثل شیر، شجاع هستند.

۲ وقتی ملتی گرفتار آشوب می‌شود، دولتش به آسانی سرنگون می‌گردد، اما رهبران راستکار و

عادل مایه ثبات مملکت هستند.

^۳ حاکمی که بر فقرا ظلم می‌کند، مانند باران شدیدی است که محصول را از بین می‌برد.

^۴ قانون شکنی، ستایش مردم بدکار است، اما اطاعت از قانون، مبارزه با فساد می‌باشد.

^۵ عدالت برای مردم بدکار بی‌معنی است، اما پیروان خداوند اهمیت آن را بخوبی می‌دانند.

^۶ بهتر است که انسان فقیر و راستکار باشد، تا اینکه ثروتمند و فریبکار.

^۷ جوانی که از قانون اطاعت می‌کند، عادل است، اما کسی که هم‌نشین مردم شریر و بدکار است، باعث ننگ پدر خود می‌شود.

^۸ مالی که از راه سودخوری و منفعت‌جویی از فقرا حاصل شود، عاقبت به‌دست کسی می‌افتد که بر فقرا رحم می‌کند.

^۹ خدا از دعای کسانی که احکام او را اطاعت نمی‌کنند، نفرت دارد.

^{۱۰} هر که دام بر راه شخص راستکار بنهد و او را براه بد بکشاند، عاقبت به دام خود گرفتار می‌شود، اما اشخاص نیک پاداش خوبی می‌گیرند.

^{۱۱} ثروتمندان خود را عادل می‌پندارند، اما فقیر خردمند از واقعیت باطن آن‌ها باخبر است.

^{۱۲} وقتی مردمان نیک پیروز می‌شوند، همه خوشی می‌کنند، اما هنگامی که بدکاران به قدرت می‌رسند، مردم مخفی می‌شوند.

^{۱۳} هر که گناه خود را بپوشاند، هرگز کامیاب نمی‌شود، اما کسی که به گناه خود اعتراف کند و از آن دست بکشد، خدا بر او رحم می‌کند.

۱۴ خوشا بحال کسی که از خداوند می‌ترسد، زیرا هر که در برابر خدا سرسختی نشان بدهد، گرفتار بلا و بدبختی می‌شود.

۱۵ مردم بیچاره‌ای که زیر سلطهٔ حاکم ظالمی زندگی می‌کنند، مانند کسانی می‌باشند که گرفتار شیر غران و یا خرس گرسنه هستند.

۱۶ پادشاه نادان بر مردم ظلم می‌کند، اما آن پادشاهی که از بی‌عدالتی و رشوه‌خوری نفرت داشته باشد، سلطنتش طولانی خواهد بود.

۱۷ عذابِ وجدانِ شخصِ قاتل، او را بسوی مجازات می‌برد، پس تو سعی نکن که او را از عذابش برهانی.

۱۸ هر که در راه راست ثابت قدم باشد، در امان می‌ماند، اما کسی که به راههای کج برود، به زمین می‌خورد.

۱۹ هر که در زمین خود زراعت کند، نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به تنبلی بگذراند، فقر‌گریبانگیر او می‌شود.

۲۰ اشخاص راستکار کامیاب می‌شوند، ولی کسانی که برای ثروتمند شدن عجله می‌کنند، بی‌سزا نمی‌مانند.

۲۱ طرفداری، کار درستی نیست، اما قضایای هم هستند که بخاطر یک لقمه نان بی‌عدالتی می‌کنند.

۲۲ آدم خسیس فقط به فکر جمع‌آوری ثروت است، غافل از اینکه فقر در انتظار او است.

۲۳ اگر اشتباه کسی را به او گوشزد کنی، در آخر بیشتر از کسی که پیش او چاپلوسی کرده است، از

تو قدردانی خواهد کرد.

^{۲۴} کسی که از والدین خود دزدی می‌کند و می‌گوید: «کار بدی نکرده‌ام»، از یک دزد کمتر نیست.

^{۲۵} حرص و طمع باعث جنگ و جدال می‌شود، اما توکل نمودن بر خداوند انسان را کامیاب می‌سازد.

^{۲۶} کسی که از عقاید خود پیروی می‌کند، احمق است، اما هر که پیرو حکمت باشد، در امان می‌ماند.

^{۲۷} اگر به فقرا کمک کنی، هرگز محتاج نمی‌شوی، اما اگر روی خود را از آن‌ها برگردانی، مورد لعنت قرار می‌گیری.

^{۲۸} هنگامی که مردم بدکار به قدرت می‌رسند، مردم مخفی می‌شوند، اما وقتی آن‌ها سقوط می‌کنند، اشخاص راستکار قدرت را به دست می‌گیرند.

^{۲۹} کسی که بعد از سرزنش زیاد بازهم سرسختی کند، ناگهان خرد می‌شود و علاجی نخواهد داشت.

^{۳۰} تا وقتی که قدرت به دست اشخاص نیک باشد، مردم خوشحال هستند، ولی اگر قدرت به دست افراد بد افتد، مردم می‌نالند.

^{۳۱} پسر عاقل پدر خود را خوشحال می‌سازد، اما پسری که بدنبال زنان بدکار می‌رود، دارائی او را برباد می‌دهد.

۴ پادشاه عادل به کشور خود ثبات می‌بخشد، ولی آنکه رشوت می‌گیرد، مملکت خود را نابود می‌سازد.

۵ شخص متملق با چاپلوسی به دوست خود صدمه می‌زند.

۶ اشخاص بدکار در دام گناه خود گرفتار می‌شوند، اما شادکامی نصیب مردم راستکار می‌گردد.

۷ شخص راستکار نسبت به فقرا با انصاف است، اما آدم بدکار به فکر آن‌ها نیست.

۸ شخص احمقی که دیگران را مسخره می‌کند، شهری را به آشوب می‌آورد، اما آدم دانا خشم را فرومی‌نشاند.

۹ وقتی یک آدم عاقل با یک شخص احمق به محکمه می‌رود، مرد احمق خشمگین می‌شود و او را مسخره می‌کند و کار بجائی نمی‌رسد.

۱۰ اشخاص خون آشام از افراد راستکار متنفرند و قصد جانشان را دارند.

۱۱ آدم احمق بزودی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما شخص عاقل از خشم خود جلوگیری می‌کند.

۱۲ اگر حاکم به سخنان دروغ گوش بدهد، تمام خادمانش دروغگو می‌شوند.

۱۳ فقیر و ثروتمند در یک چیز مثل هم هستند: خداوند به هر دوی آن‌ها چشم بینا داده است.

۱۴ پادشاهی که نسبت به مردم مسکین با انصاف باشد، سلطنتش همیشه پایدار می‌ماند.

۱۵ برای تربیهٔ کودکان چوب و تأدیب لازم است، اگر او را آزاد گذاری و سرزنش نکنی، باعث شرمندگی مادر خود می‌شود.

۱۶ وقتی اشخاص بدکار به قدرت می‌رسند، فساد زیاد می‌شود. اما مردم راستکار سقوط آن‌ها را بچشم خواهند دید.

۱۷ فرزندان را تأدیب کن تا باعث خوشی و آرامش تو گردد.

۱۸ مردمی که راهنمای شان خدا نباشد، سرکش می‌شوند، خوشا بحال قومی که از احکام خدا پیروی می‌کنند.

۱۹ خادمان تنها با نصیحت اصلاح نمی‌شوند، زیرا آن‌ها هرچند سخنان ترا بفهمند، اما به آن‌ها توجه نمی‌کنند.

۲۰ شخصی که بدون فکر کردن و با عجله حرف می‌زند، از یک احمق هم بدتر است.

۲۱ خادمی که آقايش او را از کودکی بنام پرورده باشد، سرانجام تمام دارائی آقای خود را غصب می‌کند.

۲۲ شخص تندخو نزاع برپا می‌کند و آدم بدخلق فتنه‌انگیز است.

۲۳ تکبر، انسان را به زمین می‌زند، اما فروتنی باعث سرفرازی می‌شود.

۲۴ کسی که با دزد همدست می‌شود، به جان خود دشمنی می‌کند، اگر در محکمه حقیقت را بگوید، مجازات خواهد شد و اگر حقیقت را نگوید، خدا او را لعنت می‌کند.

۲۵ کسی که از انسان می‌ترسد در دام می‌افتد، اما هرکه بر خدا توکل می‌کند، در امان می‌ماند.

۲۶ بسیاری از مردم از حاکم انتظار لطف را دارند، اما داوری فقط به دست خداوند است.

۲۷ اشخاص راستکار از بدکاران نفرت دارند و بدکاران از مردم راستکار.

۳۰ سخنان و پیغام آگور، پسر یاقه. وحی آن مرد به ایتئیل یعنی به ایتئیل و اوكال.

۲ من از هر آدم نادانتر هستم و شعور یک انسان را ندارم. ۳ من هرگز حکمت را نیاموخته‌ام و درباره خدا چیزی نمی‌دانم. ۴ آن کیست که به آسمان صعود کرد و بر زمین فرود آمد؟ آن کیست که باد را در مشت خود جمع کرد و آبها را در جامه خود پیچید؟ آن کیست که حدود زمین را تعیین کرد؟ نام او چیست و پسرش چه نام دارد؟ اگر می‌دانی بگو.

۵ خدا به وعده خود وفا می‌کند. او مانند سپر از کسانی که بر او توکل دارند، حمایت می‌نماید. ۶ به کلام او چیزی می‌فزا، مبادا ترا تنبیه کند و دروغگو شوی.

۷ ای خدا، پیش از اینکه بمیرم، دو چیز از تو می‌خواهم: ۸ زبان مرا از دروغ گفتن بازدار و مرا نه فقیر ساز و نه ثروتمند، بلکه خوراک مرا مطابق احتیاجم به من بده. ۹ زیرا اگر ثروتمند شوم ممکن است ترا انکار کنم و بگویم: «خداوند کیست؟» و اگر نادار شوم، شاید دزدی کنم و نام ترا بیحرمت سازم.

۱۰ هیچ وقت از کسی پیش آمرش بدگوئی نکن، مبادا ترا لعنت کند و مجرم شوی.

۱۱ کسانی هستند که پدر و مادر خود را نفرین می‌کنند. ۱۲ اشخاصی هستند که خود را پاک می‌دانند، در حالیکه آلوده به گناه می‌باشند. ۱۳ بسا کسانی هستند که از چشمان شان کبر و غرور می‌بارد. ۱۴ گروهی هستند که دندانهای خود را تیز می‌کنند تا بجان مردم فقیر و محتاج افتاده آنها را ببلعند.

۱۵ سه چیز است که مانند «جُوک» بده بده می‌گوید ولی سیر نمی‌شود، بلکه چهار چیز که نمی‌گوید کافی است: ۱۶ دنیای مردگان، رَحِم نازا، زمین خشک و بی‌آب و آتش شعله‌ور.

^{۱۷} کسی که پدر خود را مسخره و مادر خود را تحقیر کند، زاغها چشمانش را از کاسه بیرون می‌کنند و لاشخورها بدنش را می‌خورند.

^{۱۸} سه چیز است که برای من بسیار عجیب است، بلکه چهار چیز که من آنها را نمی‌فهمم:
^{۱۹} پرواز عقاب در آسمان، خزیدن مار بر صخره، عبور کشتی از بحر، بوجود آمدن عشق بین زن و مرد.

^{۲۰} زن بدکار زنا می‌کند و با بی‌شرمی می‌گوید: «گناهی نکرده‌ام.»

^{۲۱} به سبب سه چیز زمین تکان می‌خورد و چهار چیز است که تاب تحمل آنها را ندارد:
^{۲۲} غلامی که به سلطنت می‌رسد، احمقی که سیر و توانگر شود، ^{۲۳} زن بداخلاقی که شوهر کرده باشد و کنیزی که جای خانم خانه را می‌گیرد.

^{۲۴} در زمین چهار چیز جسماً کوچک هستند، اما شعور بسیار دارند: ^{۲۵} مورچه‌ها با وجودیکه ضعیف هستند، اما در تابستان برای زمستان خوراک ذخیره می‌کنند؛ ^{۲۶} موشهای صحرائی با آنکه ناتوانند، اما در بین صخره‌ها برای خود لانه می‌سازند؛ ^{۲۷} ملخها هر چند رهبری ندارند، ولی در دسته‌های منظم حرکت می‌کنند؛ ^{۲۸} و چلپاسه‌ها که می‌توان آنها را در دست گرفت، اما در قصرهای پادشاهان هم راه دارند.

^{۲۹} سه چیز است که خوش خرام است، بلکه چهار چیز است که خوش قدم می‌باشد: ^{۳۰} شیر که پادشاه حیوانات است و از هیچ چیزی نمی‌ترسد، ^{۳۱} طاؤس، بز نر، و پادشاهی که سپاهیانش همراه او هستند.

^{۳۲} اگر از روی حماقت مغرور شده و نقشه‌های پلید کشیده‌ای، از این کارهایت دست بکش.
^{۳۳} از جک زدن شیر مسکه به دست می‌آید، از ضربه زدن به بینی خون جاری می‌شود و از برانگیختن خشم نزاع برپا می‌گردد.

۳۱ اینها سخنانی است که مادر لموئیل پادشاه به او تعلیم داد:

۲ ای پسر من، ای پسری که ترا با نذر و دعا بدنیا آورده‌ام. ۳ نیروی جوانی‌ات را صرف زنان مکن، زیرا آن‌ها باعث نابودی پادشاهان شده‌اند. ۴ ای لموئیل، به پادشاهان نمی‌زیبد که شراب بنوشند و نه شهزادگان را که خواهان مسکرات باشند. ۵ مبادا بنوشند و قوانین را فراموش کنند و نتوانند به داد مظلومان برسند. ۶ مسکرات را به کسانی بده که در انتظار مرگ هستند و شراب را به کام کسانی بریز که در بدبختی و تلخکامی بسر می‌برند، ۷ تا بنوشند و بیچارگی خود را فراموش کنند و مشقت خویش را دیگر بیاد نیاورند.

۸ دهان بگشا و از حق کسانی که بی‌زبان و بیچاره هستند، دفاع کن. ۹ دهان خود را باز کن و با عدالت داوری کن و به کمک مردم فقیر و مسکین بشتاب.

خصوصیات یک همسر خوب

۱۰ یک زن صالحه و لایق را چه کسی می‌تواند پیدا کند؟ ارزش او از جواهرات هم زیادتر است. ۱۱ او مورد اعتماد شوهر خود می‌باشد و نمی‌گذارد که شوهرش به چیزی محتاج شود. ۱۲ در سراسر عمر به شوهر خود خوبی می‌کند نه بدی. ۱۳ پشم و کتان را می‌گیرد و با دستهای خود آن‌ها را می‌ریسد. ۱۴ او برای تهیه خوراک مانند کشتیهای تاجران به راههای دور می‌رود. ۱۵ پیش از آنکه هوا روشن شود از خواب برمی‌خیزد و برای خانواده خود خوراک آماده می‌کند و هدایات لازم را به کنیزان خود می‌دهد. ۱۶ مزرعه‌ای را انتخاب می‌کند و در باره آن فکر کرده، آن را می‌خرد و با دسترنج خود تا کستانی آباد می‌کند. ۱۷ او نیرومند و پُرکار است. ۱۸ ارزش چیزهایی را که درست می‌کند، می‌داند و شبها تا ناوقت کار می‌کند. ۱۹ با دستهای خود نخ می‌ریسد و پارچه می‌بافد. ۲۰ از روی سخاوت به مردم فقیر کمک می‌کند. ۲۱ از برف و سرما

نمی‌ترسد، زیرا برای اهل خانه خود لباس گرم دوخته است.^{۲۲} برای خود نیز لباسهای زیبا از پارچه‌های کتان ارغوانی می‌دوزد.^{۲۳} شوهرش از مردان با رسوخ و محترم شهر است.^{۲۴} او لباس و کمر بند تهیه می‌کند و به تاجران می‌فروشد.^{۲۵} او زنی است قوی و باوقار و از آینده بیم ندارد.^{۲۶} دهان خود را با حکمت باز می‌کند و تعلیم محبت‌آمیز بر زبان وی است.^{۲۷} او تنبلی نمی‌کند و احتیاجات خانواده خود را فراهم می‌نماید.^{۲۸} فرزندانش از او خوش و راضی هستند و شوهرش او را می‌ستاید و می‌گوید:^{۲۹} «تو بر همه زنان خوب و صالح برتری داری.»

^{۳۰} جمال و زیبایی، فریبنده و ناپایدار است، اما زنی که از خداوند می‌ترسد، قابل ستایش است.^{۳۱} پاداش کارهایش را به او بدهید و همگی باید او را تمجید کنند.